

در مورد حمله وحشیانه به سلمان رشدی



صفحه ۲

آزادی حیات در گرو حیات آزادی است!

حمید تقوایی
صفحه ۳

کارزار اتحاد علیه سرکوب

یک سوال از شهلا دانشفر
صفحه ۴

بزرگترین همایش بی خدایان و آتئیست ها

صفحه ۵

قرآن در آتش!

حمید تقوایی
صفحه ۸

شکایت ۱۱۰ نفر از
طلاب علیه ۱۵ بازیگر زن
به نفع بازیگران زن رد شد!
صفحه ۱۵

آکسیون‌های تشکیلات
خارج کشور حزب
کمونیست کارگری در
حمایت از چهار پیشمرگ
زندانی
صفحه ۱۱

گزارش تصویری از راه
پیمایی برای عدالت
صفحه ۱۳

حکومت اسلامی و
مراسم محرم
مهران محبی
صفحه ۱۵

قطع عضو کیفر نیست، جنایت است!

مصاحبه با حمید تقوایی در کانال جدید
صفحه ۶

فرمانی برای کوبیدن انقلاب

۵۷

عبدل گلبریان
صفحه ۹

گزارشی از یک هفته کارزار برای آزادی ۴ پیشمرگ زندانی

صفحه ۱۰

در دفاع از سلمان رشدی

شهاب بهرامی
صفحه ۱۲

جمهوری اسلامی و بحران سیاسی در عراق

نسان نودینیان
صفحه ۱۴

اطلاعیه های حزب کمونیست کارگری کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری

صفحات ۱۷ و ۱۸ و ۱۹

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

انترناسیونال شماره ۹۸۶

جمعه ۲۸ مرداد ۱۴۰۱ . ۱۹ اوت ۲۰۲۲

بی حجاب مجرم نیست متخلف است!

کاظم نیکخواه

روز یکشنبه این هفته جمهوری اسلامی همایشی. بنام "همایش ملی عفاف و حجاب پیشربلن تعالی سازمانی" برگزار کرد و شمار زیادی از مسئولان حکومتی و مسئولان و معاونان و گردانندگان ستاد حجاب و عفاف کذابی در آن شرکت داشتند. موضوع اصلی این همایش در واقع مقابله با کارزار "حجاب بی حجاب" بود که چندی پیش در مقابل حجاب و عفاف حکومتی برگزار شد و پایه های حکومت را به لرزه در آورد. محمد صالح هاشی گلپایگانی دبیر ستاد امر به معروف و حجاب در این همایش در اشاره به کارزار حجاب بی حجاب گفت دشمن تمام نیروی خود را با حجاب بی حجاب هزینه کرد اما شکست خورد! معلوم نیست اگر شکست خورده چرا باید به آن پرداخت و در مورد آن بحث کرد. اما همین جناب یک نکته دیگر هم در مورد طرح حجاب و عفاف گفت و آن اینکه "در طرح حجاب و عفاف بی حجاب مجرم نیست بلکه متخلف است و به جای پرونده سازی و مجازاتهایی که در قانون آمده شخص بی حجاب جریمه نقدی میشود". این نکته بسیار قابل توجه و مهمی است. بیش از ۴۰ سال زدند و بستند و

دستگیر و زندان کردند و همین الان همچنان شمار زیادی از زنان به جرم بی حجابی یا در زندانند و یا برایشان پرونده سازهایی سنگین شده، اما امروز مجبور شده اند در طرح عفاف و حجاب کذابی شان اعلام کنند که بی حجابی جرم نیست. آخرین شاخص بارز جرم بودن بی حجابی سپیده رشنو است که حجاب را جلوی دوربین فاطمه کماندوی حکومت دور انداخت و اکنون معلوم نیست کجاست و سرنوشتش چه شده است. اینکه امروز بعد از ماجرای سپیده رشنو در طرح حجاب و عفافشان میگویند بی حجاب مجرم نیست، همه مردم و بویژه زنان میدانند که داستان چیست. بی حجابی تا دیروز جرم سنگینی بود اما اکنون جرم نیست. "خلاف" است. وقتی که به این فکر کنیم که حجاب بطور واقعی پرچم و شیشه عمر جمهوری اسلامی است و این نیروی خبیث و ضد انسانی با حجاب سر کار آمد و برای تحمیل حجاب چه جنایتهایی که نکرد، آنوقت معنا و اهمیت این عقب نشینی روشن تر میشود. بی حجابی جرم بود اما دیگر جرم نیست. خلاف است. مثل پارک ماشین در زمان و جای ادامه در صفحه ۲



زمین می‌کوبند. جمهوری اسلامی با حجاب آمد و با بی‌حجابی خواهد رفت. این را سپیده‌ها و همه مردم تضمین خواهند کرد. و جامعه‌ای کاملاً آزاد و برابر و بدون حاکمیت آخوند و مذهب و مفتخوران انگل و جنایتکار، برپا خواهند کرد.*

به این راحتی نیست. همان زنان و مردانی که طرح حجاب اجباری را که شیشه عمر حکومت است به زمین زده‌اند و ناچارشان کرده‌اند بگویند بی‌حجابی جرم نیست، قدم‌های بعدی را هم بزودی بر میدارند و این ته‌مانده عمر حکومت را هم محکم به

هزینه کردن برای زندانی کردن بی‌حجابان میشود از این پدیده پول در آورد. اگر از هر بی‌حجابی چند میلیون تومان بگیریم میلیاردها تومان به جیب‌هایمان سرازیر میشود! به همین راحتی!

اما ما مردم میدانیم که

ادامه از صفحه ۱
نامناسب جریمه نقدی دارد.
شاید هم یک رندی به آخوندها و حاکمین مفتخور و دزد مشاوره داده است که برادران! ما صندوقمان خالی است و همه را بالا کشیده ایم و الان بی‌حجابی همه جا را گرفته است. به جای پول

بیانیه حزب کمونیست کارگری در مورد حمله وحشیانه به سلمان رشدی

مسلمانان «، اعمال کند عملاً خود را شریک جنایات اسلام سیاسی کرده و پروژه این جنبش را تقویت کرده است و باید محکوم شود. همچنین احزاب و جریاناتی در اپوزیسیون که هنوز حاضر به دفاع صریح از آزادی‌های بی‌قید و شرط سیاسی و آزادی بی‌قید و شرط نقد مقدسات مذهبی نیستند عملاً در مقابل جبهه آزادی و انسانیت قرار گرفته‌اند.

حزب کمونیست کارگری

مردم آزاده در سراسر جهان را به مقابله قاطع با هر نوع محدودیت در آزادی نقد و افشای مذهب و حمایت فعال از مردم ایران و سایر مردمی که تحت سلطه حکومت‌ها و جنبش اسلام سیاسی هستند، فرامی‌خواند.

مردم ایران ۴۳ سال است قربانی حکومت قاتل و تبهکار اسلامی و چنین فتواهایی هستند که در ایران به قانون و عمل هر روزه حکومت تبدیل شده است. حزب کمونیست کارگری همه مردم را به تشدید مبارزه برای سرنگونی حکومت فتوا و جنایت و بلندتر کردن پرچم دفاع از آزادی بی‌قید و شرط بیان و عقیده و نقد و طنز مذهب فرامی‌خواند.

حزب کمونیست کارگری

ایران
۲۷ مرداد ۱۴۰۱، ۱۸
اوت ۲۰۲۲

کشتن انسانها جایزه تعیین میکند بدون هیچ تخفیفی تحت پیگرد قرار گیرد. جمهوری اسلامی بعنوان یک حکومت تروریستی

سوء قصد علیه سلمان رشدی و همه این جنایات، که هر روزه توسط جمهوری اسلامی و سایر وحوش اسلامی مانند کشتار کارکنان چارلی ابدو اتفاق می‌افتد، از جانب هر انسان آزادیخواهی محکوم است. دنیا باید قاطعانه و بی‌تخفیف تروریسم اسلامی و حکومت‌های تروریستی را محکوم کند. باید هر آیت الهی که فتوای قتل صادر میکند و هر حکومت و مقام حکومتی که آنرا مورد حمایت قرار میدهد و برای کشتن انسانها جایزه تعیین میکند بدون هیچ تخفیفی تحت پیگرد قرار گیرد.

تمام عیار باید طرد و منزوی شود و پرونده جنایاتی مانند شلیک موشک به هواپیمای پرواز اوکراین، قتل نویسندگان، کشتار ۱۵۰۰ نفر از مردم در آبان ۹۸، ترور صدها فعال اپوزیسیون در خارج کشور و صدها و هزاران جنایت دیگر آن گشوده شود و آمران و عاملان آن دستگیر و محاکمه شوند.

سوء قصد علیه سلمان رشدی همچنین تاکیدی است بر ضرورت دفاع قاطع از بی‌قید و شرط بودن آزادی بیان و عقیده و بطور مشخص آزادی بی‌قید و شرط نقد و طنز مذهب و مقدسات مذهبی و هر نوع مقدساتی در سراسر جهان. آزادی بیان بدون آزادی بی‌قید و شرط نقد مذهب مطلقاً پوچ و بی‌معنی است. هر دولتی که کوچکترین محدودیتی بر سر آزادی نقد و طنز مذهب، با هر توجیهی از جمله «احترام به عقاید

عقبرگرد و توحش اسلامی، تبدیل گردید و در مقابل، نفرت از خمینی و جمهوری اسلامی و کل اسلام سیاسی گسترش بیشتری یافت.

امروز در ایران یک جنبش عظیم ضد مذهب و ایدئولوژی و مقدسات و اخلاقیات مذهبی و علیه فتوا و قوانین و کل احکام و احادیث اسلامی شکل گرفته و موجودیت اسلام و جنبش اسلامی را تماماً زیر سوال برده است و جمهوری اسلامی تنها با زور سرنیزه و زندان و شکنجه سرپا مانده است.

سوء قصد علیه سلمان رشدی و همه این جنایات، که هر روزه توسط جمهوری اسلامی و سایر وحوش اسلامی مانند کشتار کارکنان چارلی ابدو اتفاق می‌افتد، از جانب هر انسان آزادیخواهی محکوم است. دنیا باید قاطعانه و بی‌تخفیف تروریسم اسلامی و حکومت‌های تروریستی را محکوم کند. باید هر آیت الهی که فتوای قتل صادر میکند و هر حکومت و مقام حکومتی که آنرا مورد حمایت قرار میدهد و برای

به جان یک انسان است، جنایتی که در تمام طول حاکمیت جمهوری اسلامی علیه مردم ایران، علیه مخالفان سیاسی، زنان و نویسندگان ادامه داشته است. از ممنوعیت احزاب و سازمان‌های سیاسی و قتل عام اعضا و هواداران سازمان‌های سیاسی در دهه شصت شمسی، تا قتل زنجیره‌ای دهها نفر از نویسندگان، شاعران و مترجمان در دهه هفتاد، از اذیت و آزار دائمی اعضای کانون نویسندگان و زندانی کردن آنها از جمله رضا خندان مهابادی، کیوان باژن و بکتاش آبتین، که دلیل عدم رسیدگی آگاهانه زندانبانان به بیماری او جانش را از دست داد، تا احکام سنگین زندان علیه بسیاری از فعالین به «جرم» ارتداد و اهانت به مقدسات اسلامی، اینها گوشه کوچکی از جنایات هر روزه حکومت علیه انسان و انسانیت و آزادیخواهی است. هدف از فتوای قتل سلمان رشدی نیز نیاز حکومت برای ارباب جامعه و محکم کردن بندهای ستم و سرکوب و بی‌حقوقی مردم است.

با فتوای خمینی، محبوبیت سلمان رشدی به نحوی انفجاری در میان مردم جهان بیشتر شد و کتابهایش از جمله آیه‌های شیطانی طرفداران و خوانندگان دهها میلیونی پیدا کرد. او عملاً به سمبل آزادی اندیشه در برابر

با حمله وحشیانه به سلمان رشدی دنیا بار دیگر شاهد چهره کریه تروریسم اسلامی و جمهوری اسلامی بعنوان معمار این اقدام تروریستی بود. جنایتی که اینبار رسماً یک حکومت پشت آن بود. خمینی رهبر جمهوری اسلامی ۳۴ سال قبل فتوای قتل رشدی را صادر کرد و خامنه‌ای هجده سال قبل با غیر قابل تغییر خواندن این حکم از آن حمایت کرد، بنیاد ۱۵ خرداد و خیرگزاری فارس علاوه بر ترغیب و تشویق علنی "مسلمانان جهان" برای قتل سلمان رشدی نزدیک به ۴ میلیون دلار جایزه تعیین کردند و رسانه‌های حکومتی و ائمه جمعه و بسیاری از عماله و اکره حکومت به مناسبت‌های مختلف بر ضرورت قتل او تاکید کرده‌اند. پس از سوء قصد به جان این نویسنده نیز نه تنها رسانه‌های حکومتی بلکه سخنگوی وزارت امور خارجه رژیم مستقیم و غیر مستقیم از این جنایت حمایت کرده‌اند.

خبرگزاری‌ها می‌گویند ضارب یک لبنانی تبار شهروند آمریکا بنام هادی مطر، هوادار حزب الله و سپاه پاسداران است و با سپاه قدس در ارتباط بوده است. اما حتی اگر چنین نمی‌بود در این که جمهوری اسلامی مسئول مستقیم این جنایت است کمترین تفاوتی ایجاد نمی‌کرد.

این یک جنایت آشکار



آزادی حیات در گرو حیات آزادی است!

در مورد جمهوری اسلامی و سوء قصد به سلمان رشدی
حمید تقوائی

سلمان رشدی خوشبختانه از سوء قصد جان سالم بدر برد اما این از توحش و شناخت این جنایت چیزی کم نمیکنند. حمله به قصد کشت به یک نویسنده به "جرم" نوشتن یک کتاب رمان، از جانب هر جریانی باشد، حمله آشکار به آزادی و آزاداندیشی و انسانیت است که باید یکصد از جانب هر دولت و نهاد و فردی که مدعی دفاع از آزادی بیان و حقوق مدنی است قاطعانه و بی چون و چرا محکوم بشود. تا اکنون تعدادی از دولتهای غربی و چهره های ادبی این جنایت را محکوم کرده اند اما این به هیچوجه کافی نیست. باید عملاً در برابر این جنایت و عاملین و آمرینش ایستاد. قاتل، جمهوری اسلامی است.

به گزارش خیرگزاری ها ضارب یک لبنانی تبار شهروند آمریکا بنام هادی مطر، هوادار حزب الله و سپاه پاسداران است و با سپاه قدس در ارتباط بوده است. اما اگر چنین هم نبود از مسئولیت مستقیم جمهوری اسلامی در حمله به سلمان رشدی چیزی کاسته نمیشد. سوء قصد به سلمان رشدی یک جنایت دولتی است و نه یک اقدام فردی. معمار و مشوق و حامی این جنایت صریحاً و علناً جمهوری اسلامی، یعنی یک حکومت قدرتمند است. و این امر، مانند شلیک این حکومت به هواپیمای مسافربری، در تاریخ معاصر دنیا بیسابقه است.

سی و چهار سال قبل خمینی فتوای قتل سلمان رشدی را صادر کرد و خامنه ای نیز هجده سال قبل این حکم را غیر قابل تغییر خواند. در این مدت

نهادهای وابسته به حکومت نظیر بنیاد ۱۵ خرداد و خبرگزاری فارس و "رسانه های دیجیتالی انقلاب اسلامی" علاوه بر ترغیب و تشویق علنی "مسلمانان جهان" به ارتکاب این جنایت، برای قتل سلمان رشدی نزدیک به ۴ میلیون دلار جایزه تعیین کرده اند و رسانه های حکومتی و ائمه جمعه و دیگر "ولایتمداران" بارها در ضرورت قتل "سلمان رشدی مرتد" داد سخن داده اند. این حمایت آشکار حتی امروز بعد از حمله به سلمان رشدی همچنان ادامه دارد. جمهوری اسلامی هنوز رسماً موضعی نگرفته است اما رسانه های حکومتی، روزنامه های چون ایران و جام جم و جوان و کیهان،

است. بعضی از دیگر مقامات سابق جمهوری اسلامی که در کشورهای غربی تدریس میکنند و بعنوان آکادمیست در رسانه ها حضور بهم می‌رسانند نیز بارها از فتوای خمینی دفاع کرده اند. محمد جعفر محلاتی استاد کالج اوبرلین در ایالت اوهایو آمریکا، یکی از این نوع آکادمیستها است. این واقعیات به این معنی است که بر خلاف اقدامات تروریستی داعش و القاعده و گروههای اسلامی از این قبیل، اینجا رسماً و علناً یک دولت، یک حکومت هنوز در مسند قدرت، طراح و زمینه ساز و حامی و مشوق قتل یک نویسنده جمهوری اسلامی در دوران حکومت جهنمی اش

اعتراض کوبنده جهانیان، از نویسندگان و چهره های ادبی و هنری تا اعتراض احزاب و دولتهای و نهادهای بین المللی، پاسخ بگیرد. مقامات جمهوری اسلامی در واکنش به ترور سلمان رشدی تلاش میکنند از خود سلب مسئولیت کنند و به نوعی این امر را به توطئه نیروهای مخالف مذاکرات و قرارداد برجام نسبت میدهند. اما این یک پوشش دیپلماتیک و موضع پوکی بیش نیست. حتی اگر فتوا و تعیین جایزه و غیره را در نظر نگیریم،

اما معماری و حمایت و تشویق رسمی و علنی از بقتل رساندن یک نویسنده آنهم به "جرم" نوشتن یک رمان، سطح تازه ای از جنایت دولتی است. این از نظر شناخت و وقاحت جنایتی در سطح شلیک به هواپیما است. و باید با اعتراض کوبنده جهانیان، از نویسندگان و چهره های ادبی و هنری تا اعتراض احزاب و دولتهای و نهادهای بین المللی، پاسخ بگیرد.

نفس حمایت و ابراز شادمانی رسانه های حکومتی و نیمه حکومتی از چنین جنایتی در یک کشور برای محکومیت دولت مربوطه کافی میباشد. یک لحظه تصور کنید اگر مثلاً روزنامه گاردین با لوموند یا واشنگتن پست موضعی شبیه روزنامه کیهان میگرفتند با چه عکس العملی از جانب دولت و مردم آن کشورها روبرو میشدند. "میانہ روی" دیپلماتیک مقامات جمهوری اسلامی در قبال ترور سلمان رشدی تشدید کننده پرونده جنایات حکومت است و نه

کم جنایت نکرده است. از اعدامهای جمعی، تا شلیک به مردم معترض، تا قتل های زنجیره ای، تا شلیک به هواپیمای مسافربری، تا ترور مخالفان در داخل و خارج کشور، و تا شلاق و سنگسار و قطع دست و پا. اینها اجزائی از پرونده قتل و سیاه جانین حاکم است. اما معماری و حمایت و تشویق رسمی و علنی از بقتل رساندن یک نویسنده آنهم به "جرم" نوشتن یک رمان، سطح تازه ای از جنایت دولتی است. این از نظر شناخت و وقاحت جنایتی در سطح شلیک به هواپیما است. و باید با

تخفیف دهنده آن. اکنون که سوء قصد به سلمان رشدی توجه دنیا را به خود معطوف کرده است باید بار دیگر پرونده جنایات این حکومت را در برابر انظار جهانیان گشود، باید مقامات و چهره های سابق و اسبق جمهوری اسلامی که در کشورهای غربی بعنوان کارشناس و استاد دانشگاه و غیره جولان میدهند، کسانی که نه تنها در جنایات حکومت در "دوره طلایی خمینی" و دولتهای بعد از او شریک بوده اند بلکه تا همین امروز از جنایات جمهوری اسلامی دفاع میکنند، مورد پیگرد قرار بگیرند. حکومت معمار سوء قصد به سلمان رشدی باید در جهان بایکوت و طرد و منزوی شود و مقامات آن به جرم جنایت علیه بشریت، به جرم کشتار عامدانه مسافرین یک هواپیما، به جرم کشتار مردم معترض در خیابانهای ایران، به جرم قتلهای زنجیره ای نویسندگان و هنرمندان در ایران و به جرم ترور مخالفین در ایران و در جهان، و بالاخره به جرم معماری سوء قصد بجان یک نویسنده، به محاکمه سپرده شوند. ترور سلمان رشدی، ترور آزادی بیان و قلم است. پزشکان جان سلمان رشدی را نجات دادند و اکنون نوبت بشریت متمدن است که به دفاع از حیات آزادی پرخیزد. آزادی حیات، در گرو حیات آزادی است.

۲۴ مرداد ۱۴۰۱، ۱۵
اوت ۲۰۲۲



رشنو که جانانه مقابل تعرض حکومت ایستاده بود، سعی کرد ترس و وحشت ایجاد کند. اما جامعه با کارزاری علیه اعتراف گیری اجباری و برای آزادی سپیده رشنو آنچنان محکم ایستاد که حکومتیان به غلط کردن افتادند و از این گفتند که بی حجابی جرم نیست بلکه خلاف است!

گرفته اند و هم اکنون هجده معلم در زندانند و کارزاری بزرگ با ابعاد وسیع اجتماعی و جهانی برای آزادی آنان در جریان است.

رژیم همین سیاست را در قبال بازنشستگان به پیش برد و وقتی دید که تجمعات اعتراضی و راهپیمایی با شکوه آنها در خیابانها در شهرهای مختلف به حرکتی هر روزه تبدیل شده است و میرود تا به گسترش فضای اعتراضی در همه شهرها و در میان بخشهای مختلف مردم شکل دهد. وقتی که دید آنها با فریاد شعارهایشان کل بساط حاکمیت و دارو دسته های دزد و چپاولگرش را به چالش میکشند، دستگیری و پرونده سازی ها را تشدید کرد. اما در این کشاکش ما شاهد عقب نشینی های گام به گام حکومت نیز بوده و هستیم. تا جایی که بازنشستگان توانستند با مبارزاتشان وزیر کار را به استعفا وادارند، مجلس و دولت را به جان هم بیندازند و الان هم در برابر کل حاکمیت ایستاده و با شعار "فقط کف خیابان بدست میاد حقمون" و با فریاد "مرگ بر این بردگی" پیگیر مطالباتشان هستند و عملاً به یک سنگر مهم مبارزاتی در سطح جامعه تبدیل شده اند.

همچنین حکومت با همین سیاست در برابر جنبش رهایی بخش زن ایستاد. تا هم جامعه را مرعوب کند و هم با به خیابان روانه کردن مزدوران امر به معروف و نهی از منکرش پرچم بر زمین افتاده حجاب را یکبار دیگر جلو بیاورد. برای اینکار اول با قشون کشتی به خیابان ها هفته عفاف و حجابش را اعلام کرد و وقتی دید مردم با کارزار "حجاب بی حجاب" مقابلش ایستادند و رسماً حجاب را کنار انداختند، وحشیانه دست به دستگیری و پرونده سازی کرد و با بخش اعتراف اجباری سپیده

حمله به کارگران اعتصابی معدن مس سونگون و دستگیری شماری از آنان در حرکت اعتراضی ای که داشتند، بازداشت شماری از خانواده های دادخواه بدنبال پیروزی بزرگ صدور حکم محکومیت حمید نوری یکی از جنایتکاران حکومت اسلامی به جرم "جنایت علیه بشریت" و "قتل عمد" از سوی دادگاه سوئد مثالهای دیگری از سرکوبگری های حکومت و جدال جانانه مردم در مقابله با آن است. بعلاوه حکومت تلاش میکند با افزودن شمار اعدام ها و جلو کشیدن بیشتر احکام جنایتکارانه مجازات های اسلامی فضا را برای سرکوب جنبش های اجتماعی و کل جامعه آماده تر کند.

در مقابل امروز ما با یک جنبش قدرتمند برای آزادی زندانیان سیاسی و علیه اعدام در ایران روبرویم و بیش از پیش جنبش های اجتماعی مردمی را در کنار هم می بینیم. بویژه سناریو سازی امنیتی برای شماری از فعالین معلم و کارگر و فعالین اجتماعی بعد از بازداشت دو فعال کارگری تبعه فرانسوی عملاً نتیجه اش فعالین معلم، کارگری و فعالین اجتماعی را به هم نزدیکتر کرد و این جنبش ها را در برابر سرکوبگرهای حکومت عملاً کنار هم قرار داد.

با متعین تر شدن خواستهای مردم در عرصه های مختلف نبرد و پیشاپیش آن جنبش کارگری، این جنبش ها با

کارزار اتحاد علیه سرکوب

یک سوال از شهلا دانشفر

انترناسیونال: پیش از دو هفته است، حزب کمونیست کارگری فراخوانی تحت عنوان کارزار "اتحاد علیه سرکوب" را اعلام کرده است. درباره اهداف و اقدامات این کارزار لطفاً برای خوانندگان انترناسیونال توضیح دهید و بگویید که آیا این کارزار وظایف جدیدی را برای حزب و همچنین فعالین کارگری و اجتماعی تعریف کرده است؟

شهلا دانشفر: کارزار "اتحاد علیه سرکوب" فراخوانی به اتحاد همه مردم و جنبش های اجتماعی مختلف مردمی علیه سرکوبگرهای حکومت است. این کارزار معنای شعار "نترسید، نترسید ما همه باهم هستیم" در کف خیابان است. هدف آن عقب زدن تعرضات رژیم به کل جامعه و بازکردن بیشتر راه پیشروی اعتراضات مردمی و جنبش سرنگونی است.

به عبارت روشنتر جبهه های نبرد مردم با حکومت گسترده و سراسری است و جمهوری اسلامی با ابزار سرکوب میکوشد مردم معترض را عقب بزند تا مبدا اوضاع از کنترلش خارج شود. بنابر این در برابر این سرکوبگرها باید همه مردم متحدانه بایستند. به این معنا که مردم هر روز سازمانیافته تر، قدرتمند تر و با خواستههایی روشن و رادیکال در قامت جنبش های اجتماعی خود به میدان آمده و کل بساط حاکمیت را به چالش میکشند. به این معنا که اوضاع پر تلاطم جامعه تأکیدی بر تداوم آبان ۹۸

یکدیگر پیوند عمیقی پیدا کرده اند. این پیوند در اعتراض کل جامعه علیه سونامی گرانی، در جلو آمدن خواستههای معیشتی، در اعتراض علیه تبعیض ها و نابرابریها، در اعتراض به اختلاس ها و دزدی ها و علیه امنیتی کردن مبارزات و سرکوبگری های هر روز بیشتر خود را نشان میدهد. و بازتاب آن در تکثیر شعارهای اعتراضی در اعتراضات بخش های مختلف جامعه کاملاً قابل رویت است. همچنین این پیوند را در قطعنامه ها و بیانیه های مشترک این جنبش ها و فعالین مختلف اجتماعی بر سر مسایل مختلف مبارزاتی در سطح جامعه و نیز در کارزارهای مشترکی که در دفاع از معیشت و علیه سرکوبگری های حکومت شکل میگیرد به روشنی میتوان دید. اینها همه زمینه های مناسب همگرایی و اتحاد مبارزاتی جنبش های اجتماعی و مبارزاتی مردمی با یکدیگر و بطور واقعی پیشروی های جنبش سرنگونی است.

بر بستر این همگرایی و زمینه آماده است که ما همواره بر تلاش آگاهانه در جهت اتحاد جنبش های مبارزاتی مردمی با یکدیگر بر سر خواستههای مشترک به عنوان یک گام مهم در حرکت جامعه بسوی اعتراضات و اعتصابات سراسری و عمومی و قوام بخشیدن به جنبش سرنگونی تأکید کرده ایم. بنابراین اکنون که حکومت اسلامی با تشدید سرکوبگری هایش میکوشد شتاب این حرکت را کم ادامه در صفحه ۵

همانطور که اشاره کردم کارزار "اتحاد علیه سرکوب" کارزار متحد شدن همه مردم در مقابل این سرکوبگری ها و برای گرفتن آخرین نفس های حاکمیت و جلو بردن جنبش سرنگونی است. برای توضیح بیشتر توجه شما را به چند مثال جلب میکنم. یک مثال برجسته برخورد حکومت به جنبش اعتراضی قدرتمند معلمان است. جمهوری اسلامی با دیدن مکان اجتماعی این جنبش و قدرت آن در بسیج توده ای مردم بر سر مطالباتی سراسری از در سرکوب وارد شد و تلاش کرد مبارزات آنها را عقب بزند. برای آنها پرونده سازی کرد و از جمله از اردیبهشت تاکنون ۲۴۰ معلم دستگیر و زندانی و تحت پیگرد رژیم قرار قرار

کرد و با تجمع و اعتراض جلوی آنرا گرفت. در عین حال یک اقدام مهم در جهت شکل دادن به اتحاد سراسری علیه سرکوب تهیه لیست زندانیان سیاسی در هر شهر و برپایی اعتراضات جمعی برای آزادی آنهاست. با اتحاد سراسری خود خواهیم توانست جلوی سرکوبگری های حکومت را بگیریم و در زندانها را بکشاییم. جمهوری اسلامی این حکومت سرکوب و جنایت باید گورش را گم کند و برود.

های سراسری در مقابل هر دستگیری و پرونده سازی و احضاری قد علم کرد و با برپایی تجمع و اعتراض چنین تعرضاتی را برای حکومت گران تمام کرد. و هر گجا که چنین کارزار هایی شکل میگیرد به آن پیوست و حمایت و پشتیبانی کرد. باید محل محاکمه فعالین سیاسی و اجتماعی را به محل تجمعات اعتراضی تبدیل کرد و با اعتراضات گسترده خود بساط دستگاه قضایی را جارو کرد. باید فریاد اعتراض خود را علیه اعدام ها و احکام وحشیانه مجازات های اسلامی بلند

خانواده های آنها و معلمان معترض برای آزادی تمامی معلمان زندانی به میدان آمد. پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات و سناریو سازی های امنیتی با منتسب کردن افراد سیاسی به همکاری با "عوامل خارجی" و اعتراف گیری های اجباری در زیر شکنجه و آزار زندانی، باید به خواست و موضوع اعتراض همه مردم تبدیل شود. در همین راستا اعتراض به بازداشت ۴ پیشمرگ در منطقه سوما برادوست ارومیه باید به یک کارزار وسیع مردمی تبدیل شود. باید با کارزار

کوتاهی بدهم. به یک معنا بله. به این معنا که باید این تبیین را به گفتمان همه مردم تبدیل کرد و با چنین چشم اندازی با تمام قدرت برای اتحاد جنبش های اجتماعی مختلف و همه مردم علیه سرکوب حکومت تلاش نمود. در این راستا باید شعار زندانی سیاسی آزاد باید گردد به شعار اعتراضی همه مردم و همه تجمعات اعتراضی مردمی تبدیل شود. از جمله باید وسیعا به حمایت از جنبش معلمان این سنگر مهم جنبش اعتراضی و حق طلبانه برخاست و در کنار

ادامه از صفحه ۴
کند، تاکید ما بر اتحاد مبارزاتی علیه سرکوبگری های حکومت است. با این استراتژی که بتوانیم با جمع کردن بساط سرکوبگرانه حکومت جنبش سرنگونی را قدرت بخشیم.
و اما اجازه بدهید در رابطه با بخش دوم سوال شما و این سوال که میپرسید آیا این کارزار و ظایف متفاوتی در دستور حزب و بطریق اولی برای فعالین کارگری و اجتماعی در دستور میگذارد، نیز توضیحی

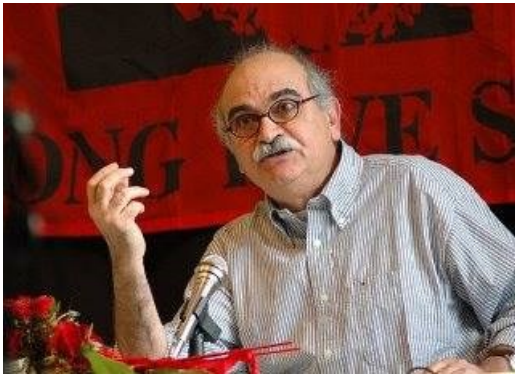
بزرگترین همایش بی خدایان و آنتیست ها و سازمانهای اکس مسلم در شهر کلن آلمان!

برنامه ای از طرف نهاد اکس مسلم بریتانیا و با حمایت و همراهی چندین سازمان بین المللی آنتیست، در مورد جنبش نقد مذهب و بویژه نقد اسلام و مبارزه با اسلام سیاسی با شرکت پنجاه سخنران از سی کشور دنیا!

در این کنفرانس مهم ریچارد داوکینز و ابن وراق و مریم نمازی و دهها چهره سرشناس بین المللی سخنرانی خواهند کرد.

روزهای شنبه و یکشنبه بیست و بیست و یک آگوست در کلن آلمان. مینا احدی و میثائیل اشمیت سالمون، فیلسوف و بقول اشپیگل، پدر بی خدایان در آلمان، بنیانگزاران و موسسین اکس مسلم در روز یکشنبه از ساعت دوازده تا دوازده و نیم، در مورد چگونگی تاسیس نهاد اکس مسلم و جهانی شدن آن و اهمیت جنبش دست کشیدن از اسلام در دنیای امروز و مقابله با جنبش اسلامی و حکومت اسلامی ایران در یک پانل صحبت کرده و به سوالات پاسخ میدهند.





مرعوب کند و به عقب بنشاند.

این ابلاغیه قوه قضائیه که توضیح دادم و احکامی را هم که اجرا میکنند هم گوشه ای از حمله به مردم است. اینجستی از تهاجم برای مرعوب کردن مردم است منتهی این تلاشی است از سر استیصال. خودشان میدانند که این اقدامات دیگر جواب نمیدهد. همانطور که در مقابله با بی حجابی به این نتیجه رسیدند که تلاشهایشان بی نتیجه بوده و بنحوی شکست شان را پذیرفتند. منتها چاره ای ندارند. مثل یک حیوان زخم خورده جمهوری اسلامی در کنجی گیر افتاده است و به هر چیزی چنگ میزند. این تلاشها بنظر من تلاشهایی از سر استیصال است از جانب یک حکومت زیر فشار خشم و نفرت مردم وامانده و در هم پیچیده شده.

کیوان جاوید: شیوه های مقابله مردم با این احکام شنيع چه میتواند باشد؟ اعتراض به قوه قضائیه و قصاص اسلامی و یا کل حکومت؟ در این میان وکلا و دست اندرکاران قضائی چه نقشی میتوانند در کنار زدن و یا مقابله با این وضعیت داشته باشند؟

حمید تقوایی: به نکته خوبی اشاره کردید. در دادگستری وکلای شریفی هم هستند که از متهمین دفاع میکنند و در خیلی موارد با احکام صادر شده مخالف هستند. مردم از آنان انتظار دارند به احکام شنيع قصاص اعتراض ادامه در صفحه ۷

کور کردن چشم در واقع جنایتی بمراتب ضدانسانی تر و سبعانه تر از هر اتهامی است که به قربانیان قصاص منتسب میکنند. قصاص عضو از جمله شکنجه های وحشیانه قرون وسطایی است که در هر سیستم مدرن حقوقی مرتکبینش مجرم محسوب میشوند و تحت پیگرد قرار میگیرند. آمرین و عاملین قطع دست و چشم کور کردن جرم سنگینی مرتکب میشوند و باید محاکمه بشوند. ولی در ایران جمهوری اسلامی همه چیز برعکس است. همانطور که دزدان حکومت میکنند و مردم غارت شده را دزد خطاب میکنند، همانطور هم عاملین و امرین این جنایت قضات و قوه قضائیه نامیده میشوند و قربانیانش متهم و محکوم. این نظام را باید زیر و رو کرد!

کیوان جاوید: چه رابطه ای بین اجرای این احکام شنيع و اشکال دیگر سرکوب اعتراضات جاری وجود دارد؟ آیا بخاطر کنترل اعتراضات جاری است که به اجرای این احکام روی آورده اند؟

حمید تقوایی: به نظر من این یکی از تلاشهای حکومت برای سرکوب بیشتر است. ما مدتها است که این سرکوبها را در ابعاد بازداشتهای گسترده، دستگیری ها، بالا رفتن احکام اعدام، پرونده سازی های مسخره جاسوسی حتی برای معترضین به حجاب و غیره در جامعه شاهد هستیم. این یک حرکت و تعرض حکومت است با این هدف که بخيال خودش مردم را

به حکام الهی رجوع کنند مردم نفرت شان از حکومت و اسلامش بیشتر میشود. مردم دارند کل اسلام و کل مذهب را زیر سوال میبرند. میتوان گفت دفاع و توجیه و دفاع حکومتها از این "احکام الهی" برای به صف کردن صفوف خودشان است و اجرای این احکام برای مرعوب کردن جامعه. این رابطه را میشود اینجا مشاهده کرد.

کیوان جاوید: دادستانها و مراجع قضایی معتقدند و میگویند و تبلیغ میکنند که این برای کنترل دزدی در جامعه است. میگویند امنیت جامعه از این نظر تامین میشود. نظر شما چیست؟

حمید تقوایی: همه میدانند که دزدی ها در یک سطح گسترده و کلان از طرف خود این آیت الله ها و امام جمعه ها و مقامات حکومت انجام میشود. دزدی های میلیاردی و نجومی! اگر چیزی امنیت جامعه را به خطر انداخته این دزدی ها و فساد مقامات حکومتی است که هیچ اعتراضی هم به آن نیست. هر چند یکبار در دعوای جناحی این یا آن دزدی میلیاردیرو میشود و فرو میخوابد. سر و ته قضیه را هم می آورند تا کشمکش و دعوای بعدی! فساد و دزدی حکومتی ها به امری ساختاری و نهادینه تبدیل شده و هر روز هم ابعادش گسترده تر میشود. فساد و دزدی سرتاپای حکومت را فرا گرفته اما دزدان میلیاردی حاکم تیغ قصاص را بروی مردمی میکشند که زیر فشار فقر و فلاکت و تامین معشیت کمرشان خرد شده است. "امنیت جامعه" تنها با بزیر کشیدن کل حکومت متحقق خواهد شد.

اینرا هم اضافه کنم حکومت قصاص و قطع عضو راکیفرهای اسلامی مینامد اما اینها کیفر و مجازات نیستند بلکه خودجنایت محسوب میشوند. قطع دست و پا و

قطع عضو کیفر نیست، جنایت است!

گفته است که این از افتخارات ما است. آیا این یک امر عقیدتی و اسلامی حکومت است و یا یک عمل سیاسی؟ آیا اصل قرون وسطایی "چشم در برابر چشم" را پاس میدارند و یا واقعا میخواهند که جامعه را بکوبند و مرعوب کنند؟

حمید تقوایی: هر دو جنبه صادق است. حکومت سیاستهای سرکوبگرانه خودش را با احکام الهی و قرآن و اسلام و غیره توجیه میکرده است. اینجا هم همینطور است. جامعه در یک حالت اعتراض و خشم بی سابقه ای بسر میبرد و حکومت در یک موقعیت ضعیف بی سابقه ای! در این شرایط یکی از راه های حکومت بحرانزده برای اینکه باصطلاح زهر چشم از مردم بگیرد و قدرتمانی کند صدور احکام قرون وسطایی قصاص است. توجیه و مبنای دفاع حکومتی های از این جنایت هم عبارتست از آیات قرآن و احکام الهی و قوانین فقهی و غیره. مساله حجاب هم همینطور است. مساله اعدام ها هم همینطور است. هر جا که اینها شمشیر بروی جامعه شمشیر کشیده اند بالاخره یک آیه ای، حدیثی، حکم اسلامی ای هم در تائیدش عنوان کرده اند.

باید توجه داشت که این جنبه عقیدتی و اعلام اینکه حکم الهی است و موجب افتخار است در واقع گفتمانی است که قرار است اوایشان حکومتی، حزب اللهی ها، امام جمعه ها، و دیگر ایادی حکومتی را توجیه کند، مجهز کند، متحد کند. وگرنه خودش خوب میدانند که این توجیها در میان مردم اثر معکوس دارد. خوب میدانند که هر چه بیشتر

تدوین شده بر مبنای مصاحبه با حمید تقوایی در کانال جدید

کیوان جاوید: جدیداً دوباره بعد از یک وقفه ای جمهوری اسلامی به کور کردن چشم و قطع عضو بازگشته است. اولین سوال این است که ابعاد این اقدامات ضدبشری و شنيع چقدر در ایران گسترده است؟

حمید تقوایی: این جنایتها که آنرا "قصاص عضو" مینامند همیشه کم و بیش اعمال میشده منتهی در این دوره اوج تازه ای گرفته و گسترده تر و شدیدتر شده است. تنها در چند ماه اخیر برای یک زن و دو مرد حکم کوری چشم صادر کرده اند، انگشتان دست دو نفر را قطع کرده اند و هفت نفر دیگر هم به قطع انگشتان دست محکوم شده اند. اینها نشان میدهد که موج جدیدی از این جنایت دولتی شروع شده است. این موج بدنبال یک حکم از طرف قوه قضائیه براه افتاد. اخیراً رسانه ها گزارش داده اند که در فروردین امسال به همه قضات و دادگاهها و حکام شرع ابلاغ کرده بودند که باید این نوع احکام، احکام "حدود الهی"، را جدی بگیرند و پرونده ها را به جریان بیاورند. اینطور به نظر میرسد که چنین احکامی را از ترس اعتراضات و کلا خشم جامعه اجرا نمیکرده اند، و دولت نهییزده است که در قطع دست و پا و کور کردن چشم و احکامی از این قبیل کوتاهی نکنید. رئیس قبا اعلام کرده بود که این احکام حدود الهی و جزو افتخارات ما است. و حالا دارند به کسب این "افتخارات" با نقص عضو کردن زندانیان ادامه میدهند.

کیوان جاوید: رئیس همانطور که اشاره کردید

ادامه از صفحه ۶
کنند. همانطور که
گفتم احکام قصاص
مصادیق شکنجه است نه
مکافات یا کیفر. اینها
شکنجه و جنایت است.
باید مقابل این احکام
ایستاد. باید اعتراض کرد.

این اعتراض البته
میتواند از سطح وکلا و با
متخصصین قضائی فراتر
برود. بنظر من فعالین تمام
جنبش های اعتراضی،
جنبش دادخواهی، جنبش
آزادی زندانیان سیاسی،
جنبش آزادی زن، جنبش
کارگری، معلمان و
بازنشستگان و غیره باید
صدای اعتراضشان را علیه
احکام وحشیانه قصاص
عضو بلند کنند. این
جنبش ها ارگانهای
رهبری، فعالین و چهره های
سرشناس، و کمیته ها و
انجمن ها و شوراهای
خودشان را دارند. اینها
میتوانند در جریان
اعتراضات و اجتماعات و
مبارزاتشان این خواست را
هم اضافه کنند که احکام و
حدود قطع عضو و باید
فورا متوقف بشود.

پرسیدید که آیا باید به
قوه قضائیه و قوانین
اعتراض کرد یا به کل
جمهوری اسلامی. به نظر
من ایندو به هم کاملا
مرتبط هستند. ما می بینیم
که معلمان در رابطه با
حقوقشان اعتراض
میکند، بازنشستگان
همینطور، و کارگران هم
همینطور. اما همه این
بخشهای جامعه میدانند
که برای رسیدن به
خواستهایشان نهایتا باید
جمهوری اسلامی سرنگون
بشود. همه فعالین و توده
مردم میدانند که گرچه
اینها اعتراض به بخشهای
معینی از سیاست حکومت
و بخاطر مطالبات معینی
است ولی عملا کل
حکومت را بجالش میکشد
و راه حل نهایتا بزیور
کشیدن جمهوری اسلامی
است.

در اعتراض به قصاص
هم این امر صادق است.

مطالبه این است که قوانین
قصاص باید فورا لغو
بشود، بخصوص قوانین
مربوط به قطع دست و
عضو و ناقص کردن بدن
متهمین. همانطور که
اعدام، که نام شرعی اش
"قصاص نفس" است،
وشکنجه و شلاق و پرونده
سازنهای امنیتی باید فورا
متوقف بشود. اینها
خواستهایی است که باید
همه اعلام کنند منتها این
روشن است که استکه این
اعتراضات جزئی از مبارزه
برای سرنگونی جمهوری
اسلامی است. تنها با
سرنگونی جمهوری اسلامی
میشود بر تمامی این
جنایتها نقطه پایانی
گذاشت.

کیوان جاوید: آیا
جمهوری اسلامی با چنین
سیاستهایی توانسته است
مرعوب کند و مردم
معترض را به عقب براند؟
حمید تقوایی: یک نگاه
به تجربه چند ماه اخیر
نشان میدهد که جمهوری
اسلامی در این سیاستش
شکست خورده است.
حکومت دستگاه سرکوب و
زندانیها و نیروهای ضد
شورش و اوباش مسلح
خودش را دارد و هر که را
بخواهد میگیرد و محکوم
میکند ولی به هدف
سیاسی خودش نرسیده
است. هدف جمهوری
اسلامی، و کلا هر رژیم
دیکتاتوری، از سرکوب
ارباب جامعه است!
اینست که جامعه را ساکت
کند، اختناق برقرار کند،
دهان ها را ببندد و هر
اعتراضی را در گلو خفه
کند. اگر تنها چند سال
اخیر را در نظر بگیریم می
بینیم که از ۹۸ هر چه
بیشتر حکومت زده و
کوبیده است. از آبان که
مردم را به گلوله بست تا
امروز که میگیرد و می بندد
و پرونده سازی میکند و
غیره. اما آیا جامعه آرامتر
شد؟ آیا اعتراضات
خواهید؟ الان اعتراضات به
خیابانها و متروها و اتوبوس

ها کشیده شده است. زنها
در جلو صف اعتراضات
چشم در چشم اوباش
حکومتی علیه خامنه ای
شعار میدهند و اینرا در
مدیای اجتماعی همه دارند
می بینند. این تجربه نشان
میدهد که سیاست
سرکوب حکومت علیرغم
همه بگیر و ببند ها از نظر
هدف سیاسی و اجتماعی
که دنبال میکرده، کاملا
شکست خورده است.

همانطور که گفتم اینها
اقداماتی از سر استیصال
است. خود حکومت هم
میداند که دوره این حرفها
گذاشته است. الان
دیگردهه شصت نیست
که بگیرد و ببندد و اعدام
کند و جامعه را عقب
براند. گرچه آندوره هم
موفق نشدند که آنطور که
میخواستند و تصور
میکردند جامعه را ساکت
کنند اما امروز جامعه حتی
آن حالت را ندارد.
اعتراضات بسیار گسترده تر
و خشم و نفرت مردم
بسیار عمیق تر و وسیعتر
است. به همین خاطر این
نوع تاکتیک ها، این نوع
سیاستهای سرکوبگرانه
بنظر من به نتیجه ای
نخواهد رسید.

کیوان جاوید: در داخل
و همچنین در خارج ایران
چطور میشود که این
سیاست جنایتکارانه
شکست داد، آیا حزب
کمونیست کارگری برنامه
خاصی دارد؟

حمید تقوایی: اخیرا
حزب ما کمپینی را اعلام
کرده است بنام کارزار اتحاد
علیه سرکوب. هدف
مشخص این کارزار این
است که در ایران و در خارج
کشور فعالین و دست
اندرکاران جنبش های
اعتراضی علیه سرکوب
متحد بشوند و یکی از
مصادیق سرکوب همین
قوانین قرون وسطایی قطع
دست و پا و غیره است. در
این عرصه مشخص نیز
نیروهای اپوزیسیون،
آزادیخواهان و نهادها و

فعالین در داخل و خارج
ایران نقش تعیین کننده ای
بعهد دارند.

میتوان هر کیس معین و
هر پرونده معینی را
برجسته کرد. اسم قربانیان
این احکام و عکس و
مشخصاتشان باید همه جا
در مدیای اجتماعی و در
جامعه، منتشر بشود.
همانطور که جنبش علیه
اعدام عمل میکند.
محکومینی که در ابتدا
شناخته شده نبودند با
اعتراضات و کارزارهایی که
علیه این کیس ها سازمان
داده شدنشان مطرح و
رسانه ای شد، در مدیای
اجتماعی، در افکار عمومی،
در رسانه ها، در خارج
کشور و در داخل کشور
اعتراض شکل گرفت و در
مواردی جلوی حکم اعدام
گرفته شد. موضوع
سنگسار سکینه محمدی
آشتیانی یک نمونه است
که با یک جنبش عظیم
اعتراضی در داخل کشور و
خارج کشور این حکم
متوقف شد و حکومت
ناگزیر شد عملا سنگسار
را متوقف کند.

در عرصه مبارزه با
احکام شکنج قصاص نیز
میتوان همینطور عمل کرد.
هر چه نیروهای سیاسی،
مخالفین، و فعالین
جنبشهای اعتراضی بیشتر و
فعالتر دست بکار بشوند و
اقداماتی نظیر آنچه ذکر
کردم را در دستور کار
خودشان قرار بدهند،
امکان پیروزی این حرکت و
متوقف کردن احکام شکنج
قصاص نیز بیشتر خواهد
بود. اعتراض به احکام
قصاص عضو میتواند و
باید به گفتمان مشترک
همه فعالین جنبش ها
تبدیل بشود. همانطور که
خواست لغو اعدام و
خواست آزادی همه
زندانیان سیاسی از
محورهای مشترک همه
جنبش ها است این هم
باید به این لیست اضافه
بشود.

اولین رهنمود ما اولین

فراخوان ما این است که
فعالین جنبش های
مختلف متحد کنار هم
قرار بگیرند و علیه این
احکام قرون
وسطاییقصاص اعتراض
کنند. از طریق بیانیه های
مشترک، از طریق اطلاعیه
طومارها، از طریق کلاب هاوس و
ها، از طریق کلاب هاوس و
شرکت در مدیای اجتماعی
و گفتمان های مدیای
اجتماعی باید این چهره ها
و کمیته ها به میدان بیایند
و صدای اعتراض شان را
علیه این احکام شکنجه
بلند کنند.

اینرا هم بگویم که نه
فقط در سطح ایران بلکه
در سطح جهان این جنایتها
اینقدر شنیع و اینقدر ضد
انسانی است که احتیاجی به
توضیح و استدلال
ندارد. اینقدر این جنایت
شنیع است، که نفس
اطلاع رسانی و انتشار
گزارش علنی در پاره آن
میتواند اعتراضات گسترده
ای را بدنبال داشته باشد.
اخیرا عفو بین الملل در
رابطه با همین احکام
قصاص عضو بیانیه ای داد
و آنرا شدیدا محکوم کرد.
باید تلاش کرد که چنین
بیانیه هائی در ابعاد هر چه
گسترده تر از جانب نیروها
و نهادهای آزادیخواه و
سکولار در سطح دنیا
منتشر بشود. باید از
سازمانهای بین المللی
خواست این جنایت را
محکوم کنند. این میتواند
کاملا با اقبال عمومی مردم
و سازمانهای مترقی همه
کشورهای غربی روبرو
بشود.

حزب ما چنین اقداماتی
را وجهه همت خودش قرار
داده است. همانطور که
گفتم این جزئی از کمپین ما
علیه سرکوب و جنبش
اتحاد علیه سرکوب است و
ما با تمام توان این امر را در
داخل و خارج کشور دنبال
میکنیم.

۱۷ اوت ۲۰۲۲

با تشکر از امیر توکی برای
پیاده کردن متن اولیه این
مصاحبه.

سرنگون باد جمهوری اسلامی



فرودستی زن و تجاوز به دختر بچه ها تحت عنوان ازدواج شرعی و نظایر آن نه تنها قابل احترام نیست بلکه باید عمیق و پیگیر به نقد کشیده بشود. باید با نفس اعتقاد به خدا و پیغمبر و احکام الهی و مقدسات و تابوهائی نیز که اساس این نوع احکام وحشیانه در اسلام و همه مذاهب است قاطعانه مقابله کرد. احترام به افراد هر اندازه هم با عقایدشان مخالف باشیم را باید حتما رعایت کرد اما دقیقا بخاطر احترام به انسان و انسانیت است که وظیفه داریم عقاید خرافی و ضد انسانی را به نقد بکشیم. این احترام به افراد و احترام به انسان و انسانیت است که ما را ملزم میکند عقاید مذهبی را نقد و افشا کنیم.

و بالاخره باید به این نکته نیز اشاره کرد که تا آنجا که به جمهوری اسلامی مربوط میشود ادعاهائی نظیر "توهین به عقاید مسلمانان" و یا "جریحه دار شدن احساسات مردم مسلمان" و غیره تنها پوششی برای دفاع از منافع زمینی و مادی جانان حاکم بر ایران و دیگر نیروهای جنبش اسلام سیاسی است. با انتشار کتاب آیات شیطانی و یا کاریکاتورهای شارلی ابدو و یا آتش زدن قرآن این توده مردم نیستند که احساس توهین میکنند بلکه این جمهوری اسلامی است که احساس سرنگونی میکند. این مردم عادی نیستند که کف بدهان می آورند و قمه میچرخانند بلکه حزب الهی ها و نیروهای وابسته به حکومتی هستند که بقایش در گرو این قمه چرخانیها است. آیات شیطانی و شارلی ابدو و آتش زدن قرآن، مانند بی حجابی، کل موجودیت جمهوری اسلامی را به خطر می اندازد. دستاویز "توهین به عقاید و مقدسات و احساسات مردم" را باید از دست این جانان خارج کرد. از روشنگری تا مبارزه سیاسی و میدانی

قرآن در آتش! حمید تقوائی

دولتی خرافاتشان را به خورد جامعه بدهند. و در مقابل، این اته ئیستها و منتقدین مذهب و خرافات و تابوهای مذهبی، و مدافعین علم و حقیقت بوده اند که زیانشان بریده شده است، شکنجه و اعدام شده اند، مثل جوردانو برونو زنده زنده در آتش سوزانده شده اند و یا مثل سلمان رشدی حکم قتلشان صادر شده است. آزادی عقیده و بیان در اساس و جوهر خود بجز آزادی نقد بی قید و شرط و همه جانبه مذهب معنائی ندارد. کسانی که مدعی طرفداری از آزادی بیان هستند به شرط آنکه "به مقدسات مذهبی توهین نشود" در واقع چیزی از آزادی بیان بجا نمیکذارند. این بویژه در مورد جوامع اسلامزده ای نظیر جمهوری اسلامی بیش از هر جای دیگر صادق است.

"توهین به مقدسات" یک استدلال مخالفین آتش زدن قرآن اینست که "نباید به عقاید و فرهنگ افراد توهین کرد". بویژه طرفداران نظریه نسبیست فرهنگی و مالتی گالچرالیزم نه تنها با این تابو شکنی ها و کلا هر نوع نقد اسلام و هر مذهبی مخالفند بلکه "احترام به عقاید مذهبی مردم" را نوعی آزادیخواهی و نشانه تمدن قلمداد میکنند. اینجا احترام به افراد با احترام به عقایدشان یکی گرفته میشود. انسانها محترمند ولی هر عقیده ای قابل احترام نیست. اعتقاد به جنایاتی نظیر شلاق و سنگسار، اعتقاد به قصاص و قطع اعضای بدن، اعتقاد به واجب القتل بودن از دین برگشتگان و اعدام همجنسگرایان، اعتقاد به

بعد از آتش زدن قرآن بوسیله معترضین به مراسم عاشورای جمهوری اسلامی در هامبورگ بحثهائی در نقد این عمل، حتی در میان مخالفین جمهوری اسلامی و اته ئیستها، مطرح شده است. میگویند این شیوه اعتراض توهین به عقیده مسلمانان است، باعث تحریک احساسات آنها میشود و راه را بر گفتگو و بحث منطقی در نقد اسلام میندود. عده ای آنرا با کتابسوزان فاشیستها مقایسه میکنند و از حزب میپرسند که آیا از آتش زدن قرآن حمایت میکنید و یا آنرا توصیه میکنید؟ امروز در سمنیاری که در این مورد دهمین به این نکات و سئوالات پاسخ دادم اما خبر سوء قصد به سلمان رشدی که ساعتی قبل منتشر شد مرا بر آن داشت که یادداشتی نیز در این باره بنویسم. به نظر من حمله به سلمان رشدی بار دیگر نشان میدهد که چرا مردم آزادیخواه قرآن را به آتش میکشند.

نقد مذهب و آزادی بی قید و شرط بیان و عقیده قبل از هر چیز باید تاکید کرد که نقد مذهب اساس و محور آزادی بیان و عقیده و دیگر آزادیهای مدنی است. هم عملا و تاریخا مبارزه برای این آزادیها با مبارزه علیه مذهب در عصر روشنگری و رنسانس و انقلاب کبیر فرانسه تنیده شده است، و هم از نظر تحلیلی آزادی بیان و عقیده به آزادی نقد مذهب و مقدسات مذهبی گره خورده است. پاپ و کشیشها و آیت الله ها و آخوندها و اتوریته های هر مذهبی همیشه آزاد بوده اند که از محراب و منبر و کلیسا و مسجد و رسانه ها و تریبونهای دولتی و غیر

عقاید افراد بلکه به عملکرد جنایتکارانه دولتی است که با اتکا به احکام و آیات قرآنی خون جامعه را در شیشه کرده است. وقتی احکام اسلامی به قانون و سیاست دولتی تبدیل شود، اعتراض سیاسی و خیابانی به مقدسات اسلامی را نیز به میدان میکشد. این خود جمهوری اسلامی است که قرآن را به آتش انداخته است. خود جمهوری اسلامی است که با اتکا به قرآن و احکام الهی بروی جامعه شمشیر میکشد و جنایات خود را توجیه میکند. لذا این کاملا قابل درک است و باید به مردم جان به لب رسیده کاملا حق داد که قرآن و مقدسات اسلامی را به آتش بکشند. بر مبنای احکام همین کتاب است که زندگی مردم ایران را به آتش کشیده اند، که در چهار گوشه دنیا ترور و جنایت میکنند، که نویسندگان و کاریکاتوربسته های شارلی ابدو را به گلوله می بندند، که فتوای قتل سلمان رشدی را صادر میکنند و به جان او سوء قصد میکنند. آتش زدن قرآن یک شکل نمادین و خشمگینانه اعتراض به همه این جنایات است.

شیوه مبارزه حزب ما با مذهب از ما میپرسند آیا حزب آتش زدن قرآن را توصیه میکند و یا خود به چنین شیوه هائی دست میزند؟ خیر، مبارزه حزبی از ادامه در صفحه ۹

ادامه از صفحه ۸
اعتراضات فردی متمایز است. ما بعنوان یک حزب شیوه های مبارزاتی خود را داریم و آتش زدن قرآن جزو این شیوه ها نیست ولی به مردم حق میدهیم به هر شیوه ای علیه جمهوری اسلامی و علیه اسلام اعتراض و مبارزه کنند. از لگد کردن عمامه آخوندها در خیابانها تا برپائی "حسین پارتی" و تا به تمسخر گرفتن خدا و پیغمبر و امامان و مقدسات اسلامی در مدیای اجتماعی تا آتش زدن قرآن و تا نثار کردن "نقل و نبات" به اسلام و آیت الله ها در مترو و اتوبوس و معابر عمومی و غیره و غیره. اینها همه اشکال مختلف اعتراض و فوران خشم بر حق مردم علیه حکومت اسلامی

است.
در کنار و در دل این برآمد ضد مذهبی جامعه، ما بعنوان یک حزب سیاسی در عرصه مبارزه با مذهب نیز مثل هر عرصه دیگری با سازماندهی نبردها و کارزارهای اجتماعی به جنگ حکومت و ایدئولوژی اسلامی اش میرویم. بعنوان نمونه در مقابله با همین بساط عاشورای حکومتی جمهوری اسلامی ما هر ساله در شهر تورنتو کانادا با سازماندهی یک اعتراض و آکسیون اجتماعی پر قدرت به مقابله پرداخته ایم و جمهوری اسلامی را هر سال بیشتر به عقب نشاندن ایم. تا حدی که امسال موفق شدیم بساط عزاداری عاشورا را از خیابانهای تورنتو تماما جمع کنیم. یا نوزده سال

قبل با سازماندهی یک کمپین گسترده که چند سال بطول انجامید توانستیم از برپائی دادگاههای اسلامی (دادگاههای شریعه) در ایالت انتاریو کانادا جلوگیری کنیم. این مبارزات ما در واقع بیان و ترجمه حزبی اعتراضات خشمگینانه مردم علیه حکومت و مقدسات و تابوهای اسلامی اش در یک مقیاس اجتماعی است.
آخرین نکته این که ما هم در اپوزیسیون و هم زمانی که به قدرت برسیم به آزادی بی قید و شرط بیان و عقیده و تحزب کاملا وفاداریم. حکومت و نظام مطلوب ما، جمهوری سوسیالیستی، یک نظام و حکومت ایدئولوژیک نیست. در نظام مطلوب

ما آنچه ممنوع است عملکرد به عقاید ضد انسانی و مخل آزادی و حقوق شهروندان است اما نفس اعتقاد به نظرات مذهبی یا هر نظریه ارتجاعی و ضد انسانی دیگری، و حتی بیان آنها، جرم نیست. ما با آگاهگری به جنگ این عقاید میرویم و نه با قانون و حکم دولتی. مردم حق دارند بر مبنای هر عقیده ای، حتی اسلام و یا هر مذهب دیگری، فعالیت فرهنگی و رسانه ای داشته باشند، کتاب چاپ کنند و نشریه منتشر کنند، حزب تشکیل بدهند و از همه حقوق مدنی و آزادیهای سیاسی و اجتماعی مانند بقیه شهروندان جامعه برخوردار باشند. همانطور که بیخدایان و اته نیستها و آنتی تئیستها، که در تمام

طول تاریخ سرکوب شده اند، از همه این حقوق برخوردارند. یک تفاوت جمهوری سوسیالیستی با دیگر نظامهای تا کنونی در همین برسمیت شناسی آزادی بی قید شرط نقد مذهب در هر سطحی و با هر شیوه ای است. در چنین جامعه ای همه آزادند هر مقدساتی را به مسخره بگیرند و هر کتابی را به آتش بکشند اما نیازی به این امر نخواهد بود. زمانی که مذهب به عقیده تبدیل شد مبارزه با مذهب نیز صرفا امری فرهنگی و روشنگرانه خواهد بود و در این مبارزه ما ضد مذهبی ها پیروز خواهیم شد چون حقیقت با ما است.
۲۱ مرداد ۱۴۰۱، ۱۲ اوت ۲۰۲۲

فرمانی برای کوبیدن انقلاب

۵۷

به مناسبت ۲۸ مرداد سالگرد فرمان خمینی برای حمله به کردستان
عبدل گلپریان

در اواسط قرن بیست انقلابی شکوهمند در ایران صورت گرفت که در صورت پیروزی آن، کل نقشه سیاسی در منطقه را تغییر می داد و می توانست آنرا وارد تحولات عظیم و زیور و روکننده ای سازد. این انقلاب در ماههای آخر و با توافق و حمایت دولتهای اروپایی و آمریکایی و برای جلوگیری از رادیکالیسم آن و عدم گسترش به کشورهای منطقه، آنرا دو دستی به ارتجاع اسلامی خمینی تحویل دادند.

کردستان به مرکز ادامه انقلاب تبدیل شد. در شهرهای بزرگ شوراهای کارگری رو آمدند و مردم ظهور خمینی را تحت هیچ عنوان به مثابه پایان انقلاب نپذیرفتند. جریان خمینی به سرعت بران تشکیل دولت موقت،

قتل و کشتار مردم کردستان همان رسالتی بود که شاه از انجام آن برای به شکست کشاندن انقلاب عاجز شده بود.

از جنایات تازه به قدرت رسیده های اسلامی در به شکست کشاندن انقلابی که برای یک زندگی مرفه، شاد، برابر و انسانی کلید خورده بود بسیار گفته و نوشته شده است.

کردستان نزدیک به یک دهه همچنان سنگر انقلاب ناتمام ۵۷ بود. سراسر شهرهای ایران تا سی خرداد شصت کانون مبارزات شوراهای کارگری، نقش و جایگاه زنان برای تحقق خواستهای برابری طلبان و جنبش دانشجویی در مقابل ارتجاع اسلامی و کپک زده خمینی و دارودسته اش بود.

حکومت اسلامی با اتکا به بگیر و ببند، زندان، اعدام در سراسر کشور و حمله به کردستان در ۲۸ مرداد ۵۸ به بیش از دو سال و نیم وقت نیاز داشت که انقلاب مردم ایران را شکست دهد.

ارمغان بیش از چهل سال حاکمیت اسلامی فقط برای بقاء، عبارت بوده است از قتل، اعدام، شکنجه و ساکت کردن هر گونه صدای حق طلبانه. عبارت بوده از توهین، تحقیر و درجه چندم شمردن جایگاه زن در جامعه، عبارت بوده از فقر، فلاکت، تباهی و نابودی مکان زیست شهروندان. عبارت بوده از غارت و دزدی هستی جامعه، تولید تروریسم در ابعاد بین المللی و در یک کلام ایجاد ناامنی برای بشریت.

در سالگرد ۲۸ مرداد فرمان حمله خمینی به کردستان، تلاش برای تحقق آرمانهای انقلاب ۵۷، تلاش برای برقراری جامعه ای آزاد، مرفه و انسانی منطبق با توقعات دهه سوم قرن بیست و یک با قدرت تمام در کف خیابانها در جریان است. نقطه عطف پایان عمر حکومت اسلامی که از دی ماه ۹۶ و آبان ۹۸ خیز برداشته است و روز به



روز با تعرض، خشم و اعتراضات اجتماعی مسیر خود را می پیماید همچنان ادامه دارد.

شکست دادن و سرنگونی این نظام جهنمی توسط مردم ایران حتمی است. در سالگرد ۲۸ مرداد فرمان حمله جنایتکاران خمینی به کردستان، باید این تلاش را هر چه متحدانه تر، سازمان یافته و گسترده تر کرد. اتحاد و همبستگی تمامی بخشهای مختلف مردم در اعتراضات هر روزه و افق اعتصابات سراسری و عمومی برای سرنگونی حکومت اسلامی حلقه اصلی برای تحقق این امر است.

عبدل گلپریان

۲۸ مرداد ۱۴۰۱، ۱۹ اوت ۲۰۲۲

گزارشی از یک هفته کارزار برای آزادی ۴ پیشمرگ زندانی



در تاریخ سوم مرداد ماه سه نهاد کمیته بین المللی علیه اعدام، کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و کمپین برای آزادی کارگران زندانی در اعتراض به بازداشت چهار پیشمرگ در منطقه سومآ برادوست از توابع ارومیه و سناریوسازی امنیتی علیه آنان، با خواست آزادی فوری و بدون قید و شرط این پیشمرگان کارزاری اعلام کردند. این سه نهاد طی بیانیه ای این دستگیرها و پرونده سازی ها را تهاجمی برای امنیتی کردن هر چه بیشتر فضای اعتراضی در کل جامعه و بویژه در کردستان اعلام کرده و همگان را به اتحاد علیه سرکوبگری های حکومت و اعتراض به این دستگیرها و فشار آوردن برای آزادی فوری پیشمرگان بازداشتی فرا خواندند. یک هشدار مهم این بیانیه خطر صدور حکم اعدام برای پیشمرگان بازداشتی با توجه به سناریو سازی علیه آنان تحت عنوان یک "تیم تروریستی" مرتبط با "موساد اسرائیل" برای آنها بود. بعلاوه همین الان هیچ خبری از پیشمرگان بازداشتی نیست. خانواده هایشان حق ملاقات با آنها

را ندارند. آنها از حق داشتن وکیل محرومند و همه شواهد از قرار داشتن آنها زیر شکنجه و آزار برای گرفتن اعتراف اجباری حکایت میکند. در زیر گزارشی از یک هفته فعالیت و کار این کارزار را میخوانید:

۱- متعاقب انتشاربیانیه به زبان فارسی و فراخوان مردم در شهرهای کردستان و سراسر ایران، از سوی این سه نهاد نامه ای به زبان انگلیسی برای نهادهای انساندوست در سراسر جهان ارسال شد و ضمن هشدار در مورد شرایط خطرناک و اضطراری پیشمرگان بازداشتی از آنها خواسته شد که به هر شکلی که ممکن است به جمهوری اسلامی فشار بیاورند تا این پیشمرگان فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند. یک تاکید این سه نهاد بر این است که جمهوری اسلامی بخاطر تمام جنایات و سرکوبگرهایش باید در سطح جهانی بایکوت شود.

۲- سه نهاد کمیته بین المللی علیه اعدام، کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و کمپین برای آزادی کارگران زندانی در

بصورت سخنرانی هایی از سوی فعالین این کارزارها و مدعوینی بدعوت این سه نهاد ایراد شد.

۴- نامه بیان عظیمی همسر پژمان فاتحی یکی از پیشمرگان بازداشتی و طلب حمایت او از مردم توسط این سه نهاد وسیعاً انتشار داده شد و ترجمه آن به زبان انگلیسی برای همیاری با او و آزادی پیشمرگان بازداشتی برای نهادهای مختلف مدافع حقوق بشر ارسال گردید.

۵- کارزار سه نهاد در برنامه های تلویزیونی این

کشورهای مختلف از جمله در کانادا و آلمان و سوئد در شهرهای ونکوور، فرانکفورت و استکهلم آکسیونهایی برپا کردند که مورد حمایت حزب کمونیست کارگری و کمپین نه به سناریو سازی نیز قرار گرفت.

۳- جهت اطلاع رسانی به مردم و فراخوان به حمایت و پشتیبانی از پیشمرگان بازداشتی و اتحاد علیه سرکوبگری های حکومت، برنامه هایی از سوی سه نهاد در گلاب هاوس و اینستاگرامی

نهادهای در کانال جدید کاملاً پوشش داده شد. از جمله در این برنامه ها بیان عظیمی همسر پژمان فاتحی یکی از پیشمرگان بازداشتی شده شرکت داشت.

کارزار برای آزادی پیشمرگان بازداشتی ادامه دارد و آنرا با قدرت ادامه خواهیم داد و مگان را به پیوسن به آن و تلاش برای آزادی ۴ پیشمرگ جوان بازداشتی فرا میخوانیم. شهلا دانشفر هماهنگ کننده کارزار برای آزادی چهار پیشمرگ زندانی ۱۸- اوت ۲۰۲۲

اساس سوسیالیسم انسان است

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-Communist Party of Iran

سرمدیر: نسان نودینیان
ادیتور: کاظم نیکخواه

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

internasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته جمعه ها منتشر می شود.

فیسبوک حزب: www.facebook.com/wgiran

اینستاگرام: www.instagram.com/wg191

تلگرام: telegram.me/wg1_hk1

وبسایت: www.wgiran.org

آکسیون‌های تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری در حمایت از چهار پیشمرگ زندانی



حمایت از فراخوان ۳ نهاد رو به روی ایستگاه مرکزی قطار برای آزادی ۴ پیشمرگ محسن معروفی، پژمان فاتحی، هژیر فرامرزی و وفا آذربار آکسیون اعتراضی سازمان خواهد داد.

بدون شک این چهار کوان در شرایط بسیار دشواری بسر می‌برند متأسفانه تا کنون بجز اتهام زنی و توطئه‌چینی مسئولین ترور و اختناق اسلامی خبری دیگری نمی‌رسد. خانواده‌ها و عزیزان این چهار جوان کماکان در نگرانی و بی‌خبری بسر می‌برند.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران کماکان برای آزادی و خنثی کردن توطئه‌های پوچ رژیم مردم را به اعتراض فرامیخواند.

کمیته خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران
۱۷ اوت ۲۰۲۲

به زبانهای انگلیسی و فارسی قرائت کردند.

پس از آن مسعود اذرنوش خاطرات شخصی خودش از رفتار غیر انسانی و اعمال محدودیت و آزار بهایبان توسط رژیم جمهوری اسلامی را بیان کرد. مصطفی صابر از دفتر سیاسی حزب، سیاست و برخورد ما نسبت به دفاع از حقوق انسانی مخالفین جمهوری اسلامی را توضیح داد و اظهار داشت که ما از آزادی و حق اعتراض همه مخالفین رژیم دفاع می‌کنیم.

مینا بهروزی، از فعالین کمیته کردستان حزب کمونیست هم‌مهمبستگی و همراهی خود را برای آزادی چهار پیشمرگ دستگیر شده اعلام و جمهوری اسلامی را محکوم کرد.

در آغاز و پایان آکسیون هم موزیک‌های مبارزاتی و آزادیخواهانه پخش شد. در روز دوشنبه ۲۲ اوت ساعت ۱۷ کمیته پوتوری حزب کمونیست کارگری در

پیشمرگ کرد، توسط جمهوری اسلامی در غرب ایران تجمع کرده، و خواستار آزادی آنان هستیم. در عین حال فرصت را غنیمت شمرده و حمله به خانه و کاشانه شهروندان بهایی در روشنگوه و تخریب منازل مسکونی بهایی‌یان را محکوم می‌کنیم. ما دستگیری مادران دادخواه، کارگران معترض، معلمین مبارز، زنان مخالف حجاب و فعالین مدنی در ایران را قویاً محکوم کرده و خواهان آزادی آنان هستیم.

در ادامه آکسیون سلیمان سیگارچی، از فعالین حزب و زندانی سابق در کردستان در مورد تفاوت شرایط زمان دستگیری و اذیت و آزار او در سال‌های اول حکومت جنایتکار اسلامی و شرایط امروز که حزب و نهادهای اجتماعی مدافع حقوق انسانی در

صحنه هستند پرداخت. سپس حمید بهرامی و مه‌ری کاظمی از طرف "کمیته علیه سناریو سازی" بیانیه خانواده‌های چهار جوان پیشمرگ دستگیر شده را

مشارکت دیگر کمپینهای حمایتی از ۴ پیشمرگ اسیر بسیار چشمگیر بود و انعکاس کمپین‌ها در رسانه‌های فارسی زبان وسیع و خوب بود. در استکهلم هرمز رها، اندیشه علیشاهی و سارا نخعی سخنرانی کردند و نمایندگانی از سازمان زحمتکشان در کمپین شرکت و از آن حمایت کردند.

بعد از ظهر یکشنبه چهاردهم اوت ۲۰۲۲ در پاسخ به فراخوان سه نهاد کمیته علیه اعدام، کمیته برای آزادی زندانیان سیاسی و نهاد فری دم ناه، آکسیون اعتراضی برگزار شد.

در این آکسیون شماری از فعالین حزب کمونیست کارگری ایران و کمپین به سناریو سازی در مقابل ارت گالری و نکور گرد هم آمدند.

عباس ماندگار، دبیر کمیته غرب کانادا ضمن خوش آمد به شرکت کنندگان اظهار داشت که ما بدو برای اعتراض به دستگیری چهار جوان

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران در حمایت از فراخوان اعتراضی سه کمپین فری دم ناه (کمپین آزادی کارگران زندانی)، کمیته علیه اعدام، کمیته آزادی زندانیان سیاسی برای آزادی چهار پیشمرگ زندانی آکسیونهای اعتراضی در شهرهای مختلف جهان سازمان داد.

در روز یکشنبه هفتم اوت تظاهرات واحد شرق کانادا در شهر پوتوری برای برجیدن مناسک عاشورا در این شهر و با خواست آزادی چهار پیشمرگ اسیر و علیه تخریب منازل بهائیان برگزار شد.

در روزهای ۱۳ اوت در دو شهر استکهلم و فرانکفورت تظاهرات و پیکت‌های اعتراضی در مقابل سفارتخانه رژیم تروریست اسلامی در این دوشهر و در حمایت از کمپین ۳ نهاد فری دم ناه (کمپین آزادی کارگران زندانی)، کمیته علیه اعدام، کمیته آزادی زندانیان سیاسی برگزار شد،



اغراق شانه به شانه بالزاک
رمانتیک در ادبیات
کلاسیک و استاندال
رنالیست در عرصه ادبیات
آوانگارد می ساید. جایگاهی
که متاسفانه مورد توجه
غرب اینتلکتوال بویژه
بخش چپ آن قرار نگرفت
یا شاید به عمد دیده نشد.

رمان آیات شیطانی، از
مشکلات اساسی که دامن
زندگی مهاجران مزبور را
گرفته آینده روابط با خود
و جامعه ای انتگره نشده
که در آن احاطه شده می
پرسد، آینده گتوی آسیایی
ها چه خواهد شد؟ آیا
آینده ای هم دارند؟ آیا
گرایشات متعصب دینی که
هر روز به خشونت های
بیشتر منجر میشود
گتوهای اسلامی را بیشتر در
بن بست قرار نمیدهد؟
رشدی با ریشخندی بذله
گویانه و طنزآمیز سعی دارد
آن لایه جزئی ولی فوقانی
خرده بورژوازی مهاجر را
نیز نشان دهد که چگونه
برای پول اندوزی و خود را
بالا کشیدن، قربانیان
فراوانی از خیل پناهنده گان
و مهاجرین را انتخاب کرده
و با استثمار وحشیانه ای
آنها را له میکند. لایه ای که
با بند و بست با امام جمعه
ها و پلیس و ادارات برای
انجام هر عمل پست و
حقیری حاضر به یراق
است.

بنابراین طبیعی است که
بخشی از پرسوناژهای رمان
آیات شیطانی از همین
گتوها سر در می آورند.
رشدی همزمان تلاش می
کند تا پرده از نژادپرستی
جوامع اروپایی بردارد. اینجا
رمان حکایت سرگذشت
نسلهای سوخته ای است
که از دوران استعمار
انگلیسی به عنوان بردگان
مفت و ارزان نیروی بشمار
کار از بمبئی گرفته تا بنگال
و پاکستان و ایالت های
دیگر هند سر از گتوهای
لندن و شهرهای دیگر ملکه
در می آوردند. شرح حال
رنگین بوستان نگون بختی
است که رونق و کثرت
گتوهای لندن و حومه را
بدنبال داشتند با صدها
امام جمعه و مسجد و تکیه

به جامعه جهانی و بریده
شدن از تمامی آداب و
رسوم عقب مانده
شوونستی و مذهبی است.
در واقع آثار رشدی، بیش
از هر چیز نه مستقیماً
حمله به دین اسلام بلکه
بیشتر به وحشیگری های
رژیم های سیاسی مذهبی و
فاسد و عقب مانده جهان
به اصطلاح سوم پرداخته و
عقب ماندگی و نفرتشان را
از پیشرفت و علم و تمدن
محکوم می کند.
رمان آیات شیطانی خود
نمونه ای تحسین برانگیز از
ادبیات شهرنشینی و
شهرهای بزرگی چون لندن
و بمبئی است که رشدی
خود در دوران کودکی، این
شهر را به مقصد لندن ترک
کرده بود. رشدی در
مقایسه ای سوررئالیستی،
ناپیدائی بدویت بمبئی را در
دل لندن، شهر مهاجرین
رنگین پوست به شیوه ای
شگرف نمایان می سازد.

پلی به سوی رنسانس:
محتوای سیاسی
واجتماعی رمان های
رشدی عصیان خشمگینانه
ای است علیه مناسبات
سیاسی و اقتصادی موجود
که نابود کننده امید به
آینده و آرزوهای نیک
انسانی است. باید توجه
داشت که رمان رشدی
بعنوان اثری ادبی، زمانی
مرزها را درنوردید که
جنبش های اعتراضی دهه
شصت میلادی، جنبش
ضد جنگ، انقلاب جنسی
و "هیپی" گری جایش را به
"یابی" گری دهه هشتادی
در عرصه هنر و فرهنگ و
شوونیسیم محافظه کارانه،
اروپامحور و تنگ نظر با
شالوده ای از گرایشات
محافظه کار و تاجرپرستی
که بر فکر و فلسفه اروپایی
مسلط شده، داده بود در
عین حال در تلاش برای پر
کردن خلأی در نقد
رادیکال مذهب در اروپا
بعد از عصر روشنگری بود
که بعد از شاید ولتر و
اسپینوزا و مارکس کمتر
کسی در این زمینه جهد
کرده بود. بنظرم جایگاه
ادبی و روشنگرانه رشدی بی

در دفاع از سلمان رشدی شهاب بهرامی

خمینی، از آن پس تحت
حفاظت پلیس انگلیس به
زندگی مخفی روی آورد.
ناگفته نماند پیش از فتوای
خمینی تعدادی از اساتید
دانشگاهی و نویسندگان
آنتیست بوسیله حزب الله
و شیعیان تحت حمایت
ایران در سوریه و فلسطین
و لبنان به قتل رسیده
بودند منجمله مهدی عامل
حسین مروت و
کاریکاتورپرست فلسطینی
ناجی العلی که هر دو در
سال ۱۹۸۷ ترور شدند.

رمان های رشدی
سلمان رشدی در رمان
های "شرم" و "بچه های
نیمه شب" که دوسال قبل
از فتوای خمینی در ایران
اجازه انتشار یافت و حتی
مورد استقبال و به به و چه
چه روزنامه های رژیم قرار
گرفت از مردمی که طعمه
خرافه و سرکوب رژیم های
سرکوبگر و اسلامگرا
مشخصاً در پاکستان و
بنگلادش بودند به دفاع
برمی خیزد. بچه های نیمه
شب، حکایتی است در
سبک تمثیل و تخیل از
حوادث و اتفاقات هند،
قبل و بعد از جدایی
پاکستان. سلمان رشدی
جنگ های دینی هند و
پاکستان و جنایات نظامیان
و کاهنان و ملایان کودن و
مزدور و جنگ ها و
فتوهایشان را با ریشخندی
گزنده، بیرحمانه مورد
حمله قرار میدهد.

واقعیت این است که
رمان های رشدی و آیات
شیطانی ترجمان دفاع از
آزادی ملل شرق است. در
اعتراض به جهل و جادو و
خرافه و مذهب و رژیم
های دیکتاتوری/مذهبی و
اسلام ضیاء الحقی است.
در تلاش برای وصل شدن
این شرق خموده و له شده

پیشگفتار:
جنایتکارانه به سلمان رشدی
که هفته گذشته در نیویورک
رخ داد، باز هم تاکید مجددی
است بر اهمیت مبارزه علیه
اسلام سیاسی و حکومت
اسلامی در ایران. تنها با محکوم
کردن و مطرود شدن این رژیم
جنایتکار توسط جهانیان، می
شود به این جنایات و عمر
ننگین رژیم پایان داد. نوشته
ای که در زیر می آید یکسال
پیش به مناسبت سی و سومین
سال فتوای قتل سلمان رشدی
توسط خمینی نوشته شده

در دفاع از رشدی شهاب بهرامی

در تاریخ ۲۵ بهمن
۱۳۶۷ خمینی حکم قتل
سلمان رشدی و ناشرین
کتاب "آیات شیطانی" وی
را در سراسر دنیا صادر کرد.
به دنبال این حکم
"هیتوشی ایگاشی" مترجم
کتاب آیات شیطانی به
ژاپنی که در دانشگاهی
تدریس میکرد در سال
۱۹۹۱ میلادی به دست
تروریست های اسلامی
کشته شد. مترجم ایتالیایی
این کتاب نیز همان سال در
میلان با ضربات چاقو
بشدت زخمی شد ولی زنده
ماند. یکی دیگر از قربانیان
این فتوا "ولبیام نیگارد"
ناشر نروژی کتاب بود که
در سال ۱۹۹۳ میلادی به
ضرب گلوله کشته شد
و بالاخره سوء قصد به
"عزیز نسین" نویسنده
آنتیست و طنز نویس
برجسته ترکیه بود که در
سال ۹۳ در هتلی در
"سیواس" مورد حمله گروه
های تروریست اسلامی قرار
گرفت. با آتش زدن هتل
توسط اسلاميون ۳۳ نفر
در این حمله جان باختند و
در آتش سوختند اما عزیز
نسین نجات یافت. سلمان
رشدی پس از صدور حکم

و خانقاه که مفتی ها و امام
جمعه ها با دلارهای
عربستان و شیخ نشین
های حومه خلیج، گتو
نشینان را دعوت به
خوشبختی در آن جهان
دیگر می کنند در عین حال
سیاستهای مرتجع ترین
سیاستمداران انگلیسی را از
حزب محافظه کار گرفته تا
لردهای سفید صد درصد
خالص انگلیسی نژادپرست
و کله پوک را تزریق این
بینویان می نمایند. حمایت
بی دریغ این عالیجنابان از
زندگی گتویی از دین و
مذهب و فرهنگ گتویی و
تشویق رشادت های
معنوی امامان جمعه که
نبض و کنترل گتوها را در
دست دارند دیدنی است.
رشدی با طنزی گزنده و
ادبیاتی پر قدرت بسان
وصف بالزاک از پاریس و
رنگین بوستانش، این چنین
لندن و کنتراست گتوهایش
را توصیف می کند. از این
منظر هدف رشدی حمله
به سیاست های تاجر و
انگلیس هم در مورد
مهاجرین رنگین پوست
مقیم انگلیس وهم
کشورهای هند و پاکستان
است بویژه سیاست های
بشدت نژادپرستانه و
استثمارگرانه در مورد رنگین
پوستان چه در انگلیس و
چه در کشورهای جهان
سوم بویژه در آن دو کشور.

سکوت و همسویی
غرب در قبال حکم قتل
رشدی:

مواضع جرج بوش پدر
و معاونش وان کوبل،
جیمز بیکر اسقف نیویورک
تا جیمی کارتر و مارگارت
تاچر نخست وزیر و وزیر
ادامه در صفحه ۱۳

یا نسبت فرهنگی بوده و از این دریچه نیز قابل توضیح است.

برای پایان دادن به این وحشی گری اسلامی، برای دفاع از حق نوشتن، برای دفاع از آزادیهای بی قید و شرط سیاسی و دفاع از آزادی بیان، قبل از هر چیز باید از نهادهای بین المللی و حقوق بشری از مردمان آزاداندیش کشورهای غربی و سازمانهای وسیع کارگری خواست تا به دولت هایشان فشار آورده که به کمپ بایکوت سیاسی جمهوری اسلامی بپیوندند، و رژیم ایران را وادار کنند فتوای قتل سلمان رشدی باطل شود و کلیه زندانیان سیاسی آزاد شوند. تمامی کارگزاران و مسئولین ۴۲ سال جنایات به دادگاه های بین المللی رجوع داده شوند. بیشک بایکوت سیاسی رژیم اسلامی ایران اولین ولی مهمترین گام به سوی خلاصی از این نکبت و جهنم اسلامی خواهد بود.

۲۴ مرداد ۱۴۰۱ / ۱۵ اوت ۲۰۲۲

دادند واقعه ای که هرگز تا زمان فتوای قتل رشدی در آکادمی نوبل که عضویت در آن مادام العمری است اتفاق نیفتاده بود.

پر بیراهه نیست اگر که گفته باشیم محکومیت قاطعانه فتوای قتل رشدی از طرف دولتهای غربی و بویژه دولت انگلیس در آن زمان می توانست بطور جدی افساری به ماشین تروریسم لجام گسیخته اسلامی و بویژه ماشین ترور جمهوری اسلامی ایران بزند. برعکس، سیاست های همسوی دول غربی با اسلاميون و بالاخص با جمهوری اسلامی بستر فعالیت های این شیخ خونین را در غرب نیز گستراند. کشتن ناشرین و مترجمین رمان آیات شیطانی، قتل فیلمساز هلندی، تهدید به کشتن کاریکاتوریست دانمارکی و کشتار خونین اعضای هیئت تحریریه مجله "شارلی هبدو" در پاریس و ده ها و صدها جنایت مشابه دیگر ثمره و نتیجه بلافصل سیاست کرش و مماشات دول غربی بخاطر حفظ منافع کلان اقتصادی و البته با توجیه تئوری سوپر ارتجاعی و ضد انسانی "مالتی کالچرالیزم"

نویسندگی را در ابعادی وسیع و جهانی سازمان دادند. لرد " هارتلی شوکرس " حقوقدان مشهور انگلیسی رشدی را محکوم می کند که از آزادیهای سیاسی که به مردم انگلیس داده شده سوء استفاده کرده است بویژه هنگامی که روابط دیپلماتیک کشورمان با یک کشور اسلامی یعنی ایران دارد بهبود پیدا می کند.

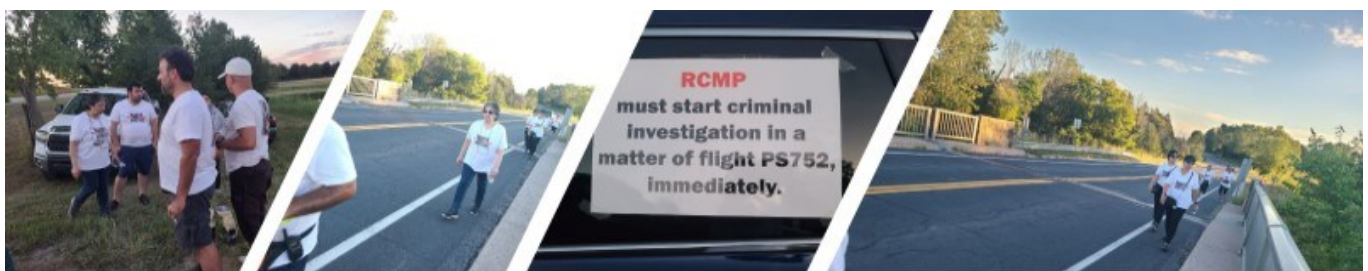
از طرف دیگر از روشنفکران و نویسندگان غرب انتظار می رفت که در دفاع از رشدی و حق نویسندگی وی و در دفاع از آزادی بدون قید و شرط بیان، تمام قد برخیزند و حملات هیستریک دولتها و رسانه ها را محکوم نمایند. همانگونه که از فراریان و ناراضیان بلوک شرق در بحبوحه جنگ سرد با شور و پیرایه های ادبی استقبال و دفاع می کردند همانگونه که به ستایش سولژنیتسن ها و ولادیمیر نابکف ها بر می خاستند. سکوت و بی عملی این دسته از روشنفکران و نویسندگان اروپایی در قبال حمله به رشدی و حتی حمله به وی چنان شور بود که دو تن از اعضای آکادمی نوبل سوئد به عنوان اعتراض استعفا

برملا می کند. وی می نویسد: رشدی نمونه ای است از یک آدم پست و حقیر زیرا در زندگی وی چیزی جز اقدامات خیانتکارانه و حقیر وجود ندارد او به خاستگاه اجتماعیش به دینش به وطن برگزیده اش (انگلیس) خیانت کرده خیانتی دو جانبه. رشدی مهمان ناخوانده و بی شرم و مرتدی است که مانند توله سگ وق وق می کند او باید به وطنش هند باز گردد.

تعفن کلامی نژادپرستانه سفید انگلیسی که سر تا پای حزب محافظه کار را در بر گرفته نمونه تیپیک از حملات بی شمار رسانه های دست راستی غرب بویژه در انگلیس بود قطعا اگر رشدی سفیدی انگلیسی الاصل بود نصیحت دوستانه "احترام به ادیان واجب است" جایگزین آن همه فحش و توهین و ناسزا به ایشان می شد. احزاب راست اروپا و امریکا، محافظه کاران، مذهبیون مسیحی و یهودی و صد البته اسلامیهستها، هماهنگ با هم نه فقط حمله به رشدی بلکه حمله به آزادی بیان، حمله به آزادی نوشتن و حق

ادامه از صفحه ۱۲
های ریز و درشت از رئیس جمهور فرانسه ژاک شیراک و اسقف شهر لیون تا خاخام های یهودی و پاپ و واتیکان را بیاد آورید که در ارکستری هماهنگ در لعن و نفرین و محکومیت کتاب آیات شیطانی و شخص رشدی نغمه سر دادند حتی بدون آنکه کتاب را به اعتراف خودشان خوانده باشند، حتی آنکه اشاره ای هر چند کوتاه به فتوای قتلش از طرف خمینی داشته باشند.

در حقیقت غرب نه تنها به ستایش این اثر عظیم ادبی و اجتماعی سیاسی نپرداخت بلکه بخاطر خشمی که از قلم گزنده و سبک طنز آمیزش نسبت و بر علیه غرب و رهبران که با جد تمام در حفظ ادیان و بویژه حفظ اسلام با شاخه های مختلفش کوشیده به تقبیح رشدی پرداخته، وی را محکوم می کنند. "نورمان تیبیت" تاجر بیست دو آتشه و رئیس سابق حزب محافظه کار انگلیس در روزنامه ایندپندنت، سیاست، موضع و نگرش واقعی دولتمردان انگلیسی را



راهپیمایی برای عدالت

جمهوری اسلامی و بحران سیاسی در عراق نسان نو دینیان



امنی و تهدیدهای حکومت اسلامی برای به کرسی نشاندن و به قدرت رساندن لیستهای مورد تأییدش همواره یکی از روشهای سپاه قدس و خامنه ای بوده است. لیست نوری مالکی مورد حمایت خامنه ای در انتخابات سال ۲۰۱۰ نیز از ایاد علاوی شکست خورد، اما نوری مالکی با فشار و تهدید ایران بار دیگر نخست‌وزیر شد.

با اعلام نتایج انتخابات اکتبر ۲۰۲۱ به دلیل مخالفت حزب دموکرات کردستان عراق با لیست مورد حمایت ایران حشد الشعبی و گروه های طرفدار ایران به دفتر این حزب حمله کردند و آنرا به آتش کشیدند.

در هفته های اخیر قآنی فرمانده سپاه قدس به مدت طولانی برای تأثیرگذاری بر روند تشکیل دولت و پارلمان پس از شکست «چارچوب هماهنگی» در عراق مستقر شده است. قآنی تحت فرماندهی خامنه ای تلاشهای زیادی برای قدرت گرفتن دستجات مورد حمایت حکومت اسلامی و انتخاب نخست وزیر مورد حمایت جمهوری اسلامی و چارچوب هماهنگی را هدف گرفته است. مقتدی صدر با رویکرد حکومت اسلامی و بقدرت رسیدن لیست مورد نظر آنها مخالف است. حزب دموکرات کردستان ایران متحد مقتدی صدر است اما رسماً در جبهه چارچوب هماهنگی به رهبری نوری مالکی و هادی عامری اتحادیه میهنی و رئیس جمهور کنونی برهم صالح قرار دارد.

نتیجه اینکه جمهوری اسلامی با عملکرد بیش از دودهمه حضور در عراق در راستای تقویت جریانات اسلامی و قومی و با تأسیس حشد الشعبی و با اتکا به

علی الاکبر، سرایا العتبات، کتائب سیدالشهداء، کتائب التیار الرسالی، سرایا الخراسانی، سرایا عاشوراء، قوات وعداالله، فرقه العباس القتالیه میشوند که اساساً در ارتباط با حکومت اسلامی و سپاه قدس بوده اند. اینها جریانات اسلامی هستند که با میلیتاریسم ائتلاف غرب و حضور حکومت اسلامی یکی بعد از دیگری تشکیل شده اند. در راس این جریانات اسلامی نوری مالکی و هادی عامری و مهدی مهندس قرار داشته اند. حشد الشعبی بیش از ۱۰۰ هزار نیروی مسلح دارد. وجود این نیرو با این کمیت بالا از نظر افکار عمومی و صاحب نظران سیاسی اقدامی غیر عادی است که حکومت اسلامی به مردم عراق تحمیل کرده است.

مردم به این مساله واقفند که حشد الشعبی نیروی نظامی است با هدف قدرتگیری و تحکیم موقعیت جریانات اسلامی و تروریستی در عراق، لبنان و سوریه تحت هژمونی و ایدئولوژیک جمهوری اسلامی و سپاه قدس به موازات و در رقابت با ارتش عراق تأسیس شده است. به این دلیل مردم در عراق با تأسیس حشد الشعبی امنیت جانی خود را در مخاطره می بینند. حکومت اسلامی بارها اعلام کرده است که حضور او در عراق "راهبردی" است. یعنی هماهنگ کردن و متشکل کردن جریانات اسلامی و تروریستی ایجاد پایگاه نظامی و تروریستی در منطقه و بویژه دخالت در سوریه از اهداف "راهبردی" آنست. ایجاد نا

گسترش فساد و نا عدالتی اجتماعی است. بی دلیل نیست که در اعتراضات توده ای در عراق و لبنان مردم خواهان اخراج و بیرون راندن جمهوری اسلامی هستند. در خیزشهای اخیر خشم و اعتراض مردم و بویژه زنان در لبنان و عراق علیه حکومت اسلامی، خامنه ای و قاسم سلیمانی بر جسته بوده است. یکی از شعارهای رایج که با آغاز اعتراضات اکتبر ۲۰۱۹ از چندین هزار معترض عراقی شنیده می شود اینست: «بغداد حرة حرة، ایران، برة برة» (بغداد، آزاد، آزاد؛ ایران بیرون، بیرون).

اعتراض و خشم مردم عراق به گسترش تروریسم و دامن زدن به میلیتاریزم نظامی و ایجاد گروه های نظامی از جمله حشد الشعبی مربوط میشود. خامنه ای و سپاه قدس به منظور تحکیم موقعیت جریانات اسلامی حشد الشعبی را در سال 2015 تأسیس کردند. تأسیس باند تروریست و آدمکش حشد الشعبی که به ابتکار نوری مالکی مهره حکومت اسلامی تشکیل شد، عملاً قدرت دوفاکتوی حکومت اسلامی را به ساختار حکومتی در عراق تحمیل کرده است. این نیروی نظامی ظاهراً در دوره ای که مبارزه علیه داعش در عراق در مساله اصلی بوده به تأیید سیستمی هم رسیده است. دستجات و شاخه های «حشدالشعبی» شامل سازمان بدر، عصائب اهل الحق، کتائب حزب الله، قوات الشهدید الصدر، حرکت النجباء، سرایا السلام، سرایا الجهاد، لواء

حضور جمهوری اسلامی در عراق سابقه طولانی دارد. دو دهه است با امکانات لجستیکی، نظامی (سپاه قدس و بدر)، و ابزارهای دیگر به کمک امثال نوری مالکی و اسلام سیاسی و احزاب ناسیونالیست کرد، و حشدالشعبی و امثالهم در عراق نقش کثیف خود را ایفا میکند.

بحران سیاسی کنونی عراق بدون بررسی تأثیر حضور مخرب و ویرانگر جمهوری اسلامی و در واقع بدون بیرون راندن آن از عراق به نتیجه نمیرسد. کوتاه کردن دست جمهوری اسلامی یک فاکتور مهم برای مهار کردن بحران سیاسی کنونی است. کارنامه حکومت اسلامی با حملات موشکی، با تأسیس حشدالشعبی و تجهیز مالی نظامی بانددهای ارتجاعی قومی، مذهبی، تروریسم و مخالفت با جنبشهای اجتماعی و اعتراضی مردم و ضدیت با زنان شناخته شده است.

جمهوری اسلامی همواره و پیگیرانه با اتکا به زرادخانه تسلیحاتی و پولهای کلان و سرمایه گذارپهای هزاران میلیارد دلاری در جهت تحکیم حضور خود و باندهای ارتجاعی اسلامی و قومی و استراتژی منطقه ایش در سوریه، لبنان و یمن عمل کرده است. استراتژی جمهوری اسلامی در منطقه برای مردم به معنی جنگ، ترور و ناامنی جانی، سلب آزادیهای فردی، ستم کثیف بر زنان و قتلهای ناموسی، شکاف اجتماعی، طیفاتی، فقر و فلاکت، آوارگی میلیونی و خانه خرابی،

بکارگیری امکانات نظامی و مالی در ایجاد بحران و ناامنی در عراق بازیگر اصلی سناریوی سپاه و به تباهی کشاندن زندگی مردم است. مقتدی صدر و جریانات اسلامی. قومی هم در ایجاد ناامنی به تباهی کشاندن زندگی مردم در عراق سهم مشابهی دارند. سیستم موزاییکی قومی. مذهبی حاصل به قدرت رسیدن و میدان داری جریانات مقتدی صدر، نوری مالکی و هادی عامری و احزاب ناسیونالیستی در عراق و کردستان هر کدام بسهم خود در ایجاد از هم گسیختگی اجتماعی و ایجاد سناریوی سپاه و به تباهی کشاندن زندگی مردم سهم هستند. اینها همه با هم در کشتار و ناامنی و تحمیل فقر و بیکاری و تسلط کثیف ترین عناصر مذهبی و اسلامی کردن جامعه عراق نقش و سهم مشترکی دارند. مردم در عراق نشان داده اند و بارها اعلام کرده اند که از سیستم موزاییکی قومی. مذهبی متنفر هستند. مردم خواهان برچیدن این سیستم و تقسیم بندی آنها بر اساس مذهب و قومیت هستند. مردم در عراق میخواهند شهروندان متساوی الحقوق باشند. مردم در عراق با اوج گیری خیزش انقلابی که از اکتبر 2019 شروع شد خواهان برچیدن سیستم موزاییکی موجود شدند، آنها اعلام کردند که خودشان میخواهند سرنوشت جامعه را بدست بگیرند. بیش از ده ماه از انتخابات پارلمانی عراق میگذرد اما بحران عمیق تر ادامه در صفحه ۱۵

شرایط را به نفع حضور و دخالتگری شورایی و مستقیم مردم تغییر داد. نیروهای اسلامی و ارتجاعی با خیزش و انقلاب ۲۰۱۹ ضربه سنگینی خورده اند. اما تا تمام شدن کار راه درازی باقی است.

اعتصاب کارگری، تجمعات اعتراضی در خیابانها و خیزشهای توده ای در جریان است. مردم ناراضی در عراق و مردم متنفذ از سیستم قومی مذهبی میلیونی هستند. زنان و جوانان برای سازماندهی اعتراضات قدرت و انرژی قابل توجهی دارند. تنها با این نیرو و با سازماندهی آنها میتوان

موزائیکی قومی مذهبی حاکم در عراق است. از نظر توده های مردم این سیستم مشروعیتی ندارد. از ۲۰۱۹ تا کنون اعتراضات مردم و ناراضیاتی کارگران و توده های مردم علیه سیستم موزائیکی قومی مذهبی، علیه فساد و بیکاری و فقر و حضور حکومت اسلامی در اشکال

در عراق دارد و مردم میخواهند حضور این حکومت و نیروهای وابسته به آن در عراق پایان یابد. سیستم کنونی و احزاب قومی مذهبی و جمهوری اسلامی در میان مردم رسوا شده اند. به این دلیل میتوان گفت که بحران سیاسی و حکومتی در عراق ناشی از عدم مشروعیت

ادامه از صفحه ۱۴ شده است. دستجات وابسته به جمهوری اسلامی در این انتخابات شکست سختی خوردند و آرائشان پایین بود. انتخابات برای پست نخست وزیر و رئیس جمهور و تشکیل دولت اما معلق شده است. جمهوری اسلامی دور و نقش مخرب و ویرانگری در بحران سیاسی

فضای ضد مذهبی جامعه ایران، پیام مهمی نیز برای جریانات راست نظیر سلطنت طلبان و امثال رضا پهلوی دارد که نگران اسلام و مذهب است و می گوید اگر قرار است اسلام آسیب ببیند، همان بهتر است که جمهوری اسلامی بماند، که بفهمند که هر جریان دیگری که بخواهد مذهب را نگهدارد و به جان مردم بیاندازد، شانسش برای به دست گرفتن قدرت در آینده پس از سرنگونی جمهوری اسلامی ندارد.

این حکم قطعی مردم متنفذ از مذهب و حکومت مذهبی است که هر روز در رویارویی با حکومت متوحش مذهبی اعلام می شود.

مردن دنیا، مردم مورد آزار مذهبی نیستند و تا حد زیادی بدون دخالت مذهب و خرافات مشغول زندگی متعارف خود هستند، اما در ایران مردم هر روزه در میدان مقابله و مبارزه با مذهب و حکومت مذهبی ای هستند که جزئی ترین و خصوصی ترین موارد زندگیشان مورد مداخله و دست درازی مذهب بواسطه یک حکومت فوق ارتجاعی مذهبی قرار دارد.

این مردم متنفذ از مذهب نه تنها حکومت آدمکشان مذهبی را به استیصال کشانده اند، بلکه هر دسته و باند و تفکری که نشان مذهب با خود داشته باشد را در چنبره فشار و تعرض خود قرار میدهند.

با ریتم غیر سنتی و همراه با موسیقی های غربی پخش کردند و نمایشات پشتک و وارو زدن و شکاک درآوردنهای دلچکها در تعزیه خوانی ها را براه انداختند، اما باز هم حیثیت و آبروی باخته خودشان و محرمشان را نتوانستند احیا کنند

جامعه ایران سالهاست که یک رنسانس از بطنش در حال تکوین و بلوغ است و حالا به حدی قدرتمند شده است که تمام تقلاهای ضد بشری حکومت برای ترویج خرافه و مذهب را نقش بر آب می کند. مردم ایران، امروز یکی از پی مذهب ترین و حتی یکی از ضد مذهبی ترین مردم در دنیا هستند.

در خیلی از کشورهای

حکومت اسلامی و مراسم محرم

مهران محبی

دلچکهای جیره خوار هیئتی و اجاره ای، نوآوری کنند و رنگ و بوی جوان پسند و نشاط آور به مراسماتشان بدهند. خیمه ها و ایستگاه های صلواتی در کنار درب کافه ها و مراکز خریدهای مدرن با آرایش ها و دکوراسیون غربی و جوان پسند بر پا کردند تا شاید بشود از ازدحام جوانانی که به کافه ها و آن چنان مراکز رفت و آمد می کنند، برای خیمه های پی رونق حسین هم جلب مشتری کنند. مداحی ها را

با شروع دهه محرم، حکومت که از انزجار عمومی مردم و مخصوصا جوانان از مذهب و خرافات آگاه است، تمام توان مادی و معنوی خود را بکار گرفت تا بلکه به مراسمات محرمش رونقی بدهد و بیش از این مایه آبروریزی نشود، اما تقلاهایش نگرفت.

باندها و هیئت های محرم حکومت، علاوه بر بریز و بپاش های طبق معمول هر ساله، امسال سعی کردند تا با بکارگیری



بردند، به فعالیاتی که در زندانها نیز از بیحجابی دفاع کردند و تسلیم فشار و شکنجه و تهدیدهای هر روزه نشدند و به زنان سینماگری که در ماههای اخیر علیه تبعیضات و تهدیدات و تجاوزها قد علم کردند تبریک گفت.

عظیمی است که مدام به نفع زنان و بیحجابی دارد تغییر میکند. اینرا باید به میلیون ها زنی که علیرغم فشار تیغ و اسید و زندان حجاب را هر روز بیشتر و بیشتر عقب راندند، به فعالین حقوق زن که پرچم حجاب پی حجاب و علیه حجاب اجباری را بالاتر

و امر ضروری حجاب و تحریک و ترغیب افراد به ارتکاب جرم منافی عفت مطرح شده است.

اما آنچه جالب است این است که سیستم قضایی حکومت جرات نکرد در این دعوا از طلاب و آمران به معروف شدن و آیت الله شدن را میگذرانند به پیدا بودن قسمتی از سر، سینه و گوش، استفاده از گل سر و کلاه لبه، پوشیدن لباس های تنگ و چسبان و معلوم بودن برجستگی های بدن، پوشیدن شلوارک، شلوارهای پاره و ساپورت رنگ بدن، پوشیدن لباس آستین کوتاه، پوشیدن مانتوهای شیشه ای، انداختن عکس با افراد مکشوف، انتشار فیلم و تصاویر خلاف عفت و اخلاق عمومی، اشاره شده است. در متن شکایت همچنین اتهاماتی نظیر توهین به مقدسات اسلام

این گوشه ای از جدال

بدن این زنان، مردان خدا و قبل از هر کس خود طلبه ها و آمران به معروف را تحریک کرده است. در متن بلندبالای این طلاب که دوره حجت الاسلام شدن و آیت الله شدن را میگذرانند به پیدا بودن قسمتی از سر، سینه و گوش، استفاده از گل سر و کلاه لبه، پوشیدن لباس های تنگ و چسبان و معلوم بودن برجستگی های بدن، پوشیدن شلوارک، شلوارهای پاره و ساپورت رنگ بدن، پوشیدن لباس آستین کوتاه، پوشیدن مانتوهای شیشه ای، انداختن عکس با افراد مکشوف، انتشار فیلم و تصاویر خلاف عفت و اخلاق عمومی، اشاره شده است. در متن شکایت همچنین اتهاماتی نظیر توهین به مقدسات اسلام

از تلگرام حزب کمونیست کارگری ایران

شکایت ۱۱۰
نفر از طلاب علیه
۱۵ بازیگر زن به
نفع بازیگران زن رد
شد!

۱۱۰ طلبه و آمران به معروف از قم و ۱۳ استان علیه ۱۵ بازیگر زن شکایت کردند اما دادسرای فرهنگ و رسانه در تهران به نفع زنان بازیگر رای داد.

روزها و ماهها طلاب و آمران به معروف از نوک سر تا انگشتان پای تعداد زیادی از بازیگران زن و لباس ها و برجستگی های بدن آنان را مورد مطالعه قرار دادند و متوجه شدند که بدحجابی و آرایش این زنان و پیدا بودن بخشی از



علیه موج دستگیری ها باید وسیعا اعتراض کرد

کشور علیه حکومت فقر و سرکوب ادامه دارد و نهادهای سرکوب و دستگاه قضایی حکومت اسلامی با تهدید و بازداشت فعالین و هر شهروند معترض تلاش می کنند فضای رعب ایجاد کنند و اعتراضات را عقب برانند. اما دستگیریهایی که به حکومت نکرده است و نخواهد کرد. مردم نشان داده اند که در مقابل قلدر منشی نهادهای سرکوب تسلیم نمی شوند. بلکه برعکس آزادی دستگیر شدگان نیز به موضوع اعتراضات آنها تبدیل میشود.

در یک هفته گذشته تعدادی از شهروندان در شهرهای، بوکان، میاندوآب، اشنویه و مهاباد، بازداشت شده و چهار معلم بازداشت شده اهل دیواندره نیز با گذشت بیش از دو ماه از دستگیری همچنان در اداره اطلاعات سندانج محبوس هستند و تاکنون هیچگونه اطلاعی از سرنوشت دستگیر شدگان و دلائل دستگیری ها در دسترس نیست. این دستگیریهایی با خشونت علیه دستگیر شدگان و حتی خانواده هایشان همراه بوده است.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری همه مردم در سراسر کردستان و دیگر بخش های جامعه را به اعتراض گسترده به هر

این دستگیریهایی در حالی صورت می گیرد که اعتراضات بخشهای مختلف مردم در سراسر

دستگیرشدگان کرد. همه دستگیرشدگان و تمامی زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران ۲۷ مرداد ۱۴۰۱، ۱۸ اوت ۲۰۲۲

دستگیرشدگان که نقش تعیین کننده ای در آزادی عزیزانشان دارند و در حمایت از آنان، به اشکال مختلف در مقابل ایجاد فضای امنیتی توسط نهادهای حکومتی دست به اعتراض بزنید و خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط دستگیرشدگان شوید. باید نهادهای امنیتی و ضد مردمی رژیم را وادار کرد

شکل ممکن فرا میخواند. باید وسیعا به میدان آمد. باید با نشان دادن عکس العمل گسترده در سراسر کردستان پاسخ کوبنده ای به باندها و نیروهای امنیتی رژیم داد. قاطعانه و مصمم باید به هر شکل ممکن و در همه جا خواهان آزادی فوری همه دستگیرشدگان شد. همراه و همگام با خانواده های

جای رئیسی پشت میز محاکمه است نه در اجلاس سازمان ملل

اجلاس سالانه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در روزهای ۱۳ تا ۲۲ سپتامبر برگزار خواهد شد و قرار است در روزهای ۲۰ تا ۲۲ سپتامبر روسا و یا نمایندگان دولت ها در مورد اوضاع داخلی کشور مربوطه و شرایط جهانی اظهار نظر کنند. مقامات جمهوری اسلامی اعلام کرده اند که قرار است ابراهیم رئیسی نیز در این اجلاس شرکت و سخنرانی کند و این خبر برای مردم این کشور شوکه آور است. حضور کسی که مردم ایران به درست او را آیت الله قاتل خطاب میکنند و مستقیماً در اعدام هزاران نفر از عزیزان مردم در سال ۶۷ دست داشته و قبل و بعد از آن نیز کارنامه بسیار خونینی دارد، لکه ننگی بر تاریخچه سازمان ملل خواهد بود و مایه ننگ بشریت است. فقط کارنامه دهه شصت رئیسی نیست که او را به آیت الله قاتل تبدیل میکند. در همین یک سالی که از ریاست جمهوری رئیسی میگذرد صدها نفر در زندانهای حکومت اسلامی حلق آویز شده اند. در همین هفته های اخیر احکام شنیع و قرون وسطایی قطع انگشت و دست و کور کردن زندانیان توسط حکومتی که رئیسی در راس آنست صادر و اجرایی شده است. در همین روزها شمار زیادی از معلمان و کارگران و بازنشستگان به جرم اعتراض کردن دستگیر شده و زندانی شده اند. در همین روزها شمار زیادی از زنان و دختران به جرم عدم رعایت حجاب اجباری به زندان انداخته شده اند که یک نمونه آن سپیده رشنو است که زیر فشار و شکنجه به اعتراف اجباری تلویزیونی نیز مجبور شد کرد.

رئیسی یک قاتل منفور و شناخته شده است و نه فقط نباید در اجلاس سازمان ملل شرکت و سخنرانی کند، بلکه باید همچون حمید نوری و همه دست اندرکاران و شکنجه گران حکومت اسلامی، در دادگاههای بین المللی به جرم قتل و ترور و آدم ربایی و هزاران جرم و جنایت فجیع، محاکمه و محکوم شود. قبول حضور رئیسی در سازمان ملل مایه ننگ بشریت و همه دولت‌هایی است که خود را عضو این سازمان میدانند. نباید اجازه داد که این جانی پایش را به سازمان ملل بگذارد.

حزب کمونیست کارگری همه ایرانیان در خارج کشور و همه مردم شریف و همه سازمانهای انساندوست را به پیوستن به کارزار دستگیری و محاکمه رئیسی فرا میخواند. قاتلین و جنایتکاران در هیچ سمت و موقعیتی نباید از مجازات و محاکمه مصون بمانند. نه فقط رئیسی بلکه تمام نمایندگان حکومت جنایتکار اسلامی باید از سازمان ملل و تمام سازمانهای بین المللی اخراج شوند. جمهوری اسلامی باید در سطح جهان بایکوت و منزوی شود. این خواست بحق همه مردم شریف این کشور است، ما فعالان آنرا دنبال میکنیم و همه مردم جهان و سازمانهای انساندوست را به پیوستن به کارزار بایکوت جمهوری اسلامی و محاکمه آیت الله قاتل فرا میخوانیم.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۵ آذر ۱۴۰۱، ۱۶ اوت ۲۰۲۲

اعتراض مردم شهرکرد و کشاورزان اصفهان علیه بی‌آبی

اعتراض مردم شهرکرد و کشاورزان اصفهان علیه بی‌آبی روز ۲۵ مرداد جمعیت کثیری از مردم شهرکرد در اعتراض به ۹ روز بی‌آبی در مقابل استانداری چهار محال و بختیاری تجمع و در وسط شهر راهپیمایی کرده و صدای اعتراضشان را بلند کردند. بنا بر خبرها در پی وقوع سیل و گل‌آلود شدن چشمه کوه‌رنگ، آب شهرکرد قطع شده است و وزیر نیرو گفته

در تجمع بسیار چشمگیر بود. در لحظه‌ای از این تجمع یکی از مقامات مسئول با گفتن "بسم الله الرحمن الرحیم" خواست صحبت کند که مردم با هو کردن و شعار دادن اجازه صحبت به او ندادند. در این حرکت اعتراضی یگان ویژه برای عقب زدن جمعیت به محل آمده بود و مردم با شعار "بیشرف" به حضور این نیروی سرکوب عکس العمل نشان دادند و سرکوبگران از ترس گسترش اعتراض حرکتی نکردند. با شعار "فقط کف خیابان، بدست میاد حقمون" بر ادامه اعتراض خود تاکید کردند.

- اعتراضات کشاورزان در اصفهان علیه بی‌آبی و آسیب دیدن گشت شان

بخاطر بی‌آبی بار دیگر آغاز میشود. روز ۲۵ مرداد جمعی از کشاورزان شرق و غرب اصفهان برای دومین روز مقابل ساختمان اداره آب منطقه‌ای این شهر تجمع کرده و بر خواسته‌هایشان تاکید نمودند. کشاورزان اعلام کرده‌اند که اعتراضاتشان را بمدت ده روز ادامه خواهند داد. بنا بر خبرها شایعه است که از ایستگاه پمپاژ آب باباشیخعلی آب بوسیله لوله‌های بزرگ که ظاهراً بعنوان لوله گاز کشیده شده بود، دارد به مرکز تصفیه آب اطراف قم میرود و این شایعه به فضای اعتراضی بیشتر دامن زده است. با نزدیک شدن به سالگرد اعتراضات قدرتمند مردمی در آذر آبان سال قبل علیه بی‌آبی و صدمات ناشی از آن به

کشت و کار کشاورزان و علیه مافیای آب و به خشکی کشیده شدن زاینده رود و وارد شدن آسیب‌های زیست محیطی در شهر اصفهان زلزله‌های اعتراض در میان کشاورزان و مردم معترض این شهر بالا می‌گیرد. تحصن یک‌ماهه کشاورزان و مردم اصفهان علیه بی‌آبی و مافیای آب در سال گذشته یک تجربه درخشان از تجمعات و اعتراضات متحد مردمی است که درس‌های آنرا باید به کار گرفت و در همه جا علیه بی‌آبی و علیه سایر مصائبی که حکومت به مردم تحمیل کرده است، تکثیر کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۵ مرداد ۱۴۰۱، ۱۶ اوت ۲۰۲۲

اطلاعیه خبری ۲۳ مرداد: ادامه اعتراضات بازنشستگان، کارکنان شرکتی مخابرات و آبفای هرمزگان

اعتراضات بازنشستگان تاملین اجتماعی در ۹ شهر در گزارش قبلی از ادامه اعتراضات بازنشستگان در شهرهای اهواز، شوش، رشت و کرمانشاه گزارش کردیم. خبرهای جدید از برگزاری این تجمعات در شهرهای بجنورد، اراک،

اعتراض بازنشستگان به گرانی و بی‌تامینی و پاسکاری بازنشستگان بین مجلس و دولت بر سر میزان افزایش حقوقها در سایر سطوح است. مجلس وعده افزایش سی و هشت درصدی حقوقها را از شهریور ماه داده است و میخواهند بدینگونه بازنشستگان را سر بدوانند و بازنشستگان به اعتراضاتشان ادامه داده و بر افزایش حقوقها به بالای خط فقر و درمان رایگان و دیگر مطالبات

اعلام شده خود تاکید دارند.

تجمع اعتراضی کارکنان شرکتی مخابرات ارومیه کارکنان شرکتی مخابرات ارومیه در اعتراض به واریز نشدن ۷ ماه حق بیمه تامین اجتماعی خود و محرومیت از خدمات بیمه تامین اجتماعی در محوطه مخابرات ارومیه تجمع کردند و خواستار پاسخگویی مسئولان شدند.

تجمع کارگران آبفای هرمزگان در بندرعباس روز ۲۲ مرداد کارگران شرکت‌های تابعه آبفای استان هرمزگان در اعتراض به تعویق پرداخت دستمزدها در مقابل استانداری تجمع کردند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۳ مرداد ۱۴۰۱، ۱۴ اوت ۲۰۲۲

اکرم نصیریان، ناهید شقاقی، مریم محمدی و اسرین درکاله از فعالین ندای زنان ایران به زندان فراخوانده شدند

این چهار فعال جنبش زنان در صفحات اینستاگرامی خود نوشتند: "در چند روز گذشته، اجرای احکام زندان اوین، مرا به همراه دیگر رفقایم در پرونده #ندای_زنان_ایران به زندان فراخوانده است. دستگاه قضایی با فشار به وثیقه‌گذاران مبنی بر ضبط وثیقه می‌خواهند ما را راهی زندان سازند.

در حالی ما را به جرم اجتماع و تبانی به قصد برهم زدن امنیت ملی! و تبلیغ علیه نظام، روانه زندان می‌کنند که اختلاسگران و دزدان مافیایی، امنیت زیست میلیونها انسان را به مخاطره انداخته‌اند و همچنان آزاد هستند.

من و رفقایم تنها تلاش کرده ایم صدای اعتراض درد تبعیض و نابرابری زنان ایران باشیم و در قاموس دزدسالاران، دفاع از برابری جرم تلقی میشود. در حالیکه دیوارهای هیچ زندانی نمی‌تواند ندای برابری خواهی زنان را خاموش سازد."



فعالین ندای زنان ایران به زندان فراخوانده شدند

که چنانچه همکاران اخراجی آنها به کار بازگردانده نشوند و به وعده های داده شده عمل نشود همراه با خانواده های خود دست به اعتراض خواهند زد.

کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران براتحاد و همبستگی کارگران و اتکای آنها به مجمع عمومی برای تصمیم گیری جمعی و متحدانه، شرکت فعال خانواده ها و حمایت و همبستگی مردم در منطقه که نان آورانشان کارگران این معدن هستند، تاکید دارد. ۷۰ کارگر اخراجی باید سرکار بازگردند.

کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران ۲۳ مرداد ۱۴۰۱، ۱۴ اوت ۲۰۲۲

آسیبهایی که در همین مدت بر سر کارگران آمده همچنان میخوابند کار در این شرایط ادامه یابد. همین اخیرا کارگری بنام "عبدالرزاق سیمریان" شاغل در طرح توسعه فاز ۲ پالایشگاه آبادان بخاطر گرما دچار ایست قلبی شد و بطور واقعی کارفرمایان و دولت عاملین اصلی مرگ او هستند.

باید در برابر این بردگی ایستاد. باید فوراً و بدون لحظه ای وقفه کار در مراکز کاری در جنوب و در مراکز نفتی همراه با پرداخت حقوق تعطیل شود. این مطالبه ایست که کارگران پالایشگاه آبادان قبلاً آنرا طرح کردند و باید با دست از کار کشیدن سراسری در این مناطق به کار در این شرایط جهانی و سوزان تابستانی اعتراض کرد

تنها راه در مقابل کارگران، اعتصاب متحد و سراسری در برابر این شرایط برده وار کاری است.

حزب کمونیست کارگری ایران ۲۲ مرداد ۱۴۰۱، ۱۳ اوت ۲۰۲۲

اکنون به بیش از هفتاد نفر رسیده است. کارگران اخراجی با سابق کاری از ۱۵ تا ۲۵ سال در استخدام شرکت های مبین و آهن آجین هستند.

در این مدت کارگران تلاش بسیاری کردند تا همکاران اخراجی را سرکار بازگردانند. اما مدیریت با قلداری ایستاده و حاضر به بازگرداندن آنها به کار نشده است. بعلاوه به خواسته های ۳۰۰۰ کارگر شرکت های پیمانکاری مجتمع مس سونگون ورزقان از جمله خواست همسان سازی حقوقها که در واقع خواست افزایش حقوقهایشان و دیگر مطالبات کارگران است، پاسخی داده نشده است. کارگران اولتیماتوم داده اند

عنوان "تغییر ساعت کاری پروژه به دلیل شرایط آب و هوایی عسلویه" به ایروانی مدیر طرح های توسعه ای در عسلویه داده است. در این بخشنامه ساعات کاری از ۶ صبح تا یازده ظهر و شیفت عصر از ۴ بعد از ظهر تا هفت و نیم شب تعیین شده است. در بخشنامه بر قرار دادن مخازن آب و آبلیمو در اختیار پیمانکاران تاکید شده است. همچنین گفته شده که کلیه کارهای در ارتفاع به خاطر کاستن ریسک سقوط به ساعات اولیه صبح انتقال یابد و "ترجیحا" در ساعات بعد از ظهر تمرکز کارها در طبقات پایین واحدهای در حال اجرا باشد. و کارگران در زمان انجام کار مرتباً بصورت چرخشی تغییر وضعیت داده شوند تا از خستگی و بی حالی آنها جلوگیری شود.

این بخشنامه نشان دیگری از شرایط برده وار کار در مراکز نفتی است. پیمانکاران مفتخور و صاحبان کار جنایتکار به جای تعطیلی کار در این شرایط بخشنامه جا به جایی ساعت کار میدهند. آنها بعد از اینهمه فجاج و

کارگران را مورد تعرض قرار دادند و هفت نفر از آنان بازداشت شدند.

اعتصاب تا هفدهم تیر ادامه داشت و کارگران در شامگاه هجدهم تیرماه و با وعده های مسئولین استان و کارفرمای مجتمع مبین بر پیگیری مطالبات شان از جمله خواست همسان سازی حقوقها و آزادی کارگران بازداشتی موقتاً به اعتصاب خود پسان دادند. اما پس از خاتمه اعتصاب حدود ۴۰ نفری از کارگران بازداشت شدند که زیر فشار اعتراض کارگران با وثیقه ههای ۵۰۰ تا ۷۰۰ میلیونی آزاد شدند. همچنین شرکت در روز ۲۶ تیرماه با مسدود کردن کارت تردد بیش از ۳۰ نفر دیگر از کارگران، مانع از ورود آنها به معدن شد. و تعداد کارگران اخراجی

اعتراضات اختطاری بنا بر تصمیم شورای همبستگی کارکنان رسمی صنعت نفت تا روز دوشنبه بیست و چهارم مرداد ادامه خواهد یافت و چنانچه تا روز بیست و ششم مردادماه، وزیر نفت یا معاونت توسعه مدیریت وی به صورت رسمی از طریق مصاحبه تلویزیونی یا از طریق بخشنامه رسمی تاریخ و نحوه اجرای ماده ده را اعلام نکنند، در این صورت چند تاریخ برای تعیین تاریخ نهایی تجمع به نظرسنجی گذاشته شده و تجمع با حضور خانواده های کارکنان انجام خواهد شد.

- خبر دیگر در مراکز نفتی مربوط به وضعیت مشقت بار کار در گرمای سوزان تابستان و راهی شدن دهها کارگر به بیمارستان ها بخاطر شرایط جهانی کار است. این وضعیت فضایی از اعتراض در میان کارگران بوجود آورده است. از جمله زیر فشار اعتراضات کارگران از سوی علی قنوتی اصل رئیس بهداشت ایمنی و محیط زیست بخشنامه ای تحت

اولتیماتوم کارگران معدن مس سونگون به اعتراض همراه با خانواده ها.

ماجرا از این قرار است که کارگران معدن مس سونگون در شرکت های آهن آجین، مبین، نوآوران، زحل و ندای رهاوی در روز ۱۴ تیر برای پیگیری خواسته هایشان و در اعتراض به خلف وعده ها و بازداشت دو نفر از همکارانشان دست به اعتصاب زده بودند. اما در این حرکت اعتراضی نه فقط به کارگران پاسخی داده نشد بلکه در روز سوم نیروهای یگان ویژه

۷۰ کارگر اخراجی باید سرکار بازگردند.

بنابر آخرین گزارشات مدیریت مجتمع مس سونگون ورزقان در ادامه سرکوبگریهایش علیه کارگران که پیگیر مطالباتشان شده بودند، ۷۰ کارگر را اخراج و همچنان از ورود آنها به معدن جلوگیری میکند. خواست کارگران بازگشت به کار همکاران اخراجی شان است.

گسترش اعتصاب کارگران رسمی نفت و فضای اعتراض به کار در گرمای کشنده

این حرکت اعتراضی بر این مطالبات تاکید کرده اند: اجرای ماده ده قانون وظایف و اختیارات نفت، رسیدگی به وضعیت بهداشت و درمان، معرفی و محاکمه غارتگران صندوق نفت، پایان دادن به انتصابات امنیتی، سیاسی و جناحی، پرداخت بک پی حقوق جدول سال نود و هفت و بک پی مالیات، برداشتن سقف پاداش بازنشستگی و توجه به واحدهای فرسوده و میادین مشترک نفت و گاز.

کارگران رسمی نفت همچنین در بیانیه هایشان بر کوتاه شدن دست پیمانکاران به عنوان معضل سراسری همه کارگران در نفت و لغو قوانین برده وار مناطق ویژه اقتصادی تاکید کرده اند. بنا بر گزارش منتشر شده در کانال تلگرامی شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت، این

گسترش اعتصاب کارگران رسمی نفت و فضای اعتراض به کار در گرمای کشنده قبلاً گزارش کردیم که گروه کثیری از پرسنل رسمی نفت شاغل در واحدهای ستادی و عملیاتی در بیش از سی مرکز کاری دست به اعتراض گسترده زده اند. اکنون در ادامه این اعتراضات، دهها واحد عملیاتی دیگر در شرکت های بهره برداری مختلف و پالایشگاهی به این حرکت اعتراضی پیوسته اند. کارگران رسمی نفت در اقدامی هماهنگ در مراکز مختلف نفتی با در دست گرفتن پلاکارد و کاغذ نوشته های اعتراض خود را به مشکلات معیشتی، مالیات های سنگین و خواسته های پاسخ نگرفته شان اعلام کردند. افزایش حقوقها بطور واقعی خواست محوری اعلام شده این کارگران است و در